

# میزان

شماره بیست و دوم ، تابستان ۱۴۰۰  
قیمت ۲۰۰۰ تومان

# حقوق مدنی و سیاسی زنان





## نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی

- ۳ سرمقاله
- ۴ سخن سردبیر
- ۵ مصاحبه با سرکار خانم دکتر نسرين جعفری کادیجانی
- ۱۳ زنان و مقام ریاست جمهوری در ایران
- ۱۵ مصاحبه با سرکار خانم سحر کرباسی
- ۱۸ رباعیات به مناسبت ایام محرم
- ۱۹ گپ و گفתי خودمآنی با سرکار خانم زهرا جوانمردی
- ۲۲ معرفی کتاب شهید مطهری
- ۲۴ عوامل موثر در تحکیم بنیاد خانواده از دیدگاه اسلام
- ۲۸ معرفی کتاب «جنس دوم»
- ۲۹ گذری بر فمینیسم
- ۳۲ حقوق زنان سرپرست خانوار

# میزان

شماره ۲۲

صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

زیر نظر امور فرهنگی دانشگاه الزهرا (س)

استاد راهنما: دکتر زهرا سادات میرهاشمی

کارشناس نشریات: سرکار خانم زهرا وزیری

مدیر مسئول: آمنه چپری ها

سردبیر: زینب توسلی

هیأت تحریریه: زینب توسلی، فاطمه علی شیری، خاطره عامری منفی آبادی

ساجده سادات موسوی، شقایق پاکی پودنک، آمنه چپری ها

طراح و صفحه آرا: منیژه ضرابی

ویراستار: آمنه چپری ها

چاپ: دامون



mizan.magazine17@gmail.com



@mizan.magazine

نشانی: تهران میدان ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهرا (س)

## مقاله

با عرض سلام و ادب خدمت خوانندگان و همراهان همیشگی نشریه میزان؛ ایام متعلق به حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) را به همه‌ی شما عزیزان و دوستداران ایشان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال خواستاریم به ما توفیق قدم نهادن در راه حق و عدالت را عنایت نماید.

بنده این افتخار را داشتم که از سال ۱۳۹۸ به عنوان مدیرمسئول نشریه میزان، در کنار دانشجویان، فارغ التحصیلان و پژوهشگران دغدغه‌مند فعالیت کنم و در این شماره برای آخرین بار در خدمت شما عزیزان هستم. لازم به توضیح است؛ این امر جز با راهنمایی‌های دلسوزانه استاد مشاور نشریه، سرکار خانم دکتر زهرا سادات میرهاشمی، مدیر محترم گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی و سایر اساتید ارجمند و بزرگوار گروه که همواره با وجود مشغله‌های بسیار و ضیق وقت ما را در به ثمر رساندن هر شماره از نشریه یاری نمودند، میسر نبود. ما در طول دو سال گذشته، با تلاش جدی و همکاری صمیمانه سردبیران محترم نشریه، سرکار خانم؛ زینب توسلی و سرکار خانم؛ زهرا فرهادی و اعضای فعال هیئت تحریریه توانستیم به صورت تخصصی و از دیدگاه فقهی و حقوقی، موضوعات روز جامعه را مورد بررسی قرار دهیم و تمام همت خود را به کار بستیم تا نگاهی همه‌جانبه به موضوعات میان رشته‌ای داشته باشیم.

در این شماره از نشریه میزان نیز، با همفکری و مشورت سردبیر محترم و اعضای کوشا هیئت تحریریه، تصمیم بر آن شد که در مسیر آگاهی بخشی نسبت به حقوق مدنی و سیاسی زنان در عرصه‌های مختلف گام برداریم و مسئله‌ی «آموزش مجازی» در دوران کرونا را از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، به صورت تخصصی بررسی کنیم. به لطف خداوند متعال، این افتخار را داشتیم که با استاد محترم و ارجمند گروه روانشناسی، سرکار خانم دکتر نسرين جعفری کادیجانی، راجع به محاسن و معایب آموزش مجازی مصاحبه کنیم و از فرمایشات باارزش ایشان بهره‌مند شویم. در ادامه با دانش‌آموختگان برتر رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، سرکار خانم؛ «سحر کرباسی» و کیل پایه یک دادگستری، مشاور و مدرس دروس حقوقی و سرکار خانم؛ «زهرا جوانمردی» رتبه ۶ آزمون دکتری سال ۱۴۰۰ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی و پذیرفته شده دانشگاه تهران، گپ و گفتی خودمانی داشتیم.

امیدواریم دانشجویان و پژوهشگران دغدغه‌مند در تمامی گرایش‌های رشته حقوق از سراسر کشور به گروه نشریه میزان بپیوندند و با راهنمایی اساتید بزرگوار و ارجمند در جهت افزایش بینش آحاد ملت نسبت به حقوق خود قلم بزنند تا بتوانیم با مشارکت فعال جامعه‌ی حقوقی، در راستای شکل‌دهی به جامعه‌ی فعال و پویا حرکت کنیم.

آمنه‌چهره‌ها

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

## سخن سردبیر

دانشجویان عزیز رشته فقه و مبانی حقوق  
اسلامی

ما، اهالی نشریه میزان، از شما برای همکاری در  
نشریه میزان وابسته به انجمن علمی فقه و مبانی حقوق  
اسلامی دعوت می‌کنیم؛

اگر نسبت به موضوعاتی که در جامعه اتفاق می‌افتند به عنوان  
یک شهروند و حقوقدان، دغدغه‌مند هستید و احساس مسئولیت می‌کنید و  
اگر دوست دارید مهارت‌های نگارشیتان را برای مشاغل مثل؛ وکالت، مشاوره،  
تدریس و سایر شغل‌هایی که می‌خواهید در آینده داشته باشید، تقویت کنید،  
اگر به نویسندگی علاقه‌مند هستید و دوست دارید افکارتان را به رشته  
تحریر دریاورید، فعالیت در نشریه این امکان را به شما می‌دهد تا  
راهی تازه برای تقویت مهارت‌های نگارشی، علمی و پژوهشی  
خودتان، شروع کنید.



mizan.magazine17@gmail.com

زینب تولی

کارشناس فقه و مبانی حقوق اسلامی

## مقدمه ای بر مصاحبه با سرکار خانم دکتر نسرين جعفری کادیجانی

پیامبر صلی الله علیه و آله: «خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ»؛  
«خیر دنیا و آخرت، با دانش و شر دنیا و آخرت، با نادانی است.»

با شیوع ویروس کرونا و لزوم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و دوری از تجمعات به یکباره روند تبدیل فضای آموزش سنتی به سمت آموزش مجازی با شتاب بیشتری دنبال شد که در ابتدا به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌های مناسب، مشکلاتی را به وجود آورد. دنیایی که نهادهای مسئول و مردم با آن تجربه و آشنایی درستی نداشتند نه فقط در ایران در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا نیز با این اتفاق دست به گریبان‌اند.

از طرف دیگر اکثریت مطلق خانواده‌ها آگاهی ابتدایی از نظام آموزشی را نداشتند و با آموزش از راه دور و استفاده از گوشی‌های هوشمند، کامپیوتر، لپ تاپ ناآشنا هستند. کودکان که در نبود کلاس و معلم با بستری مواجه شدند که برایشان جدید است. همه این‌ها چالش‌هایی را برای حق بر آموزش کودکان به وجود آورد. ماده‌ی ۱۱ اعلامیه حقوق بشر اسلامی معروف به اعلامیه قاهره مورخ ۱۹۹۰، این حق را برای هر کودکی از بدو تولد محترم دانسته و تأکید داشته که والدین و دولت باید به آموزش و تربیت فرزند توجه داشته باشند. همچنین ماده‌ی ۱۲ اعلامیه به شرح و بسط ماده‌ی ۱۱ پرداخته است. ماده‌ی ۱۲ مقرر می‌دارد: طلب علم بر هر کسی که توانایی آن را داشته باشد واجب است و تعلیم انسان‌ها بر دولت و جامعه تکلیف است؛ بنابراین بر دولت و بر هر کس از فرد و جامعه‌ای که توانایی دارد، تأمین طرق و آماده ساختن وسایل

تعلیم واجب است. همچنین تضمین تنوع تعلیم بر آنان واجب است، به طوری که مصالح جامعه را برآورد و معرفت دین اسلام و حقایق عالم هستی و تصرف معقول در آن حقایق را به سود بشریت امکان پذیر سازد.

اصل نوزدهم قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. همچنین اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. بند نخست ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش حداقل تا حدودی که مربوط به آموزش ابتدایی و پایه‌ای است باید رایگان باشد. بند یک ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خودخواه به طور فردی یا جماعت خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.» کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ تصویب شد، فراتر از این رفته و مقرر داشته که کشورها باید آموزش عالی را برای همه قابل دسترسی کنند. همان طور که بیان شد حق بر آموزش از جمله حقوق بنیادین انسان‌ها در اکثر اسناد داخلی و بین‌المللی مورد توجه است اما با ورود ویروس منحوس کرونا و شکل‌گیری فضایی جدید از آموزش که به همراه چالش‌هایی برای کودکان این قشر آسیب پذیر است لزوم رعایت برخی تدابیر برای والدین، معلمان، مسئولان مورد تأکید است.

نسرین  
جعفری کادیجانی

مصاحبه با  
سرکار خانم دکتر



خاطره عامری صفی آبادی

کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

با موضوع

## بررسی آسیب‌شناختی آموزش مجازی در دوران کرونا

در این شماره این افتخار را داشتیم که در خدمت سرکار خانم دکتر نسرین جعفری کادیجانی عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - شمال باشیم. از ایشان و فرصتی که در اختیار ما قرار دادند بسیار سپاسگزاریم و از خداوند متعال برای ایشان و خانواده محترمشان توفیقات روز افزون می‌طلبیم.

زیرکی و هوشمندی سیستم آموزش و پرورش را می‌رساند که یک پلتفرم و برنامه‌ای طراحی شود و سپس با آموزش موثری که به والدین، دانش آموزان و معلمان داده می‌شود، قابل بهره‌برداری باشد. کما اینکه پیش از کرونا، آموزش الکترونیکی با این بحث که آموزش باید متناسب با ساختار زندگی فرد باشد، تا بازدهی داشته باشد شروع به کار کرده بود. اینکه معلم صرفاً دانای کل نیست تا همه چیز را بداند و درس بدهد. امروزه دانش‌آموزان با یک سرچ ساده می‌توانند در بسیاری موارد به سوالاتی که معلم می‌پرسد یا باید پاسخ دهد، پاسخ بدهند. به طور کلی رویکرد آموزش به سمت روند پیشرفته جدید که «رویکرد اکتشافی» و «نیمه اکتشافی» نام دارد، پیش می‌رود و مانند گذشته، معلمی به شکل سخنرانی جلو نمی‌رود. آموزش معکوس بدین صورت که معلم رو به روی بچه‌ها بایستد و به آن‌ها درس بدهد، سپس آزمون بگیرد و دانش‌آموز جواب دهد، نیست. بلکه معلم

پس از گذشت تقریباً دو سال از شیوع ویروس کرونا، همچنان آموزش‌ها به صورت مجازی ادامه دارد. به نظر شما این نوع آموزش برای معلمان و دانش‌آموزان فرصت محسوب می‌شود یا تهدید؟

به طور کلی فضای مجازی هم فرصت و هم تهدید است. اما در شرایط زندگی امروز که دنیا به سمت آموزش الکترونیک پیش می‌رود با تغییر و تحولاتی که در زمینه‌های مختلف علمی داشته‌ایم، باید به سمت آموزش الکترونیک برویم که بخشی از آن هم آموزش مجازی است. قطعاً تهدیدهایی وجود دارد، خصوصاً زمانی که آموزش به شکل مطلوب اتفاق نیفتاده باشد، سخت‌افزار وجود نداشته باشد، و امکاناتی که باید فراهم باشد، مشکل داشته باشند. بدین ترتیب معلمان و دانش‌آموزان نتوانند از آن استفاده کنند و این دردسر ایجاد می‌کند.

آموزش مجازی می‌تواند فرصت باشد و این

نقش «تسهیل‌گر» را دارد و کنار دانش‌آموزان است، طرح اولیه را می‌دهد و بچه‌ها با هم بررسی می‌کنند، هم زمان به چالش می‌کشند. معلم به آن‌ها تکالیفی می‌دهد تا جواب تکلیف را حل کنند و خودشان را به دانش برسانند.

بر این اساس که انسان‌ها چیزی را یاد می‌گیرند که تجربه کنند؛ معلمان فرصت تجربه برای یادگیری ایجاد می‌کنند. البته این موضوع اصلاً شباهتی به اتفاقی که در دو سال گذشته در بسیاری مدارس افتاده، ندارد. اینکه معلمان نمیدانستند چگونه باید عمل کنند و این موضوع که در اصل والدین به جای بچه‌ها تکالیف را جواب می‌دادند و دانش‌آموزانی که نمی‌دانستند چکار کنند. این موضوعات همگی از آسیب‌های آموزش مجازی هستند.

## یکی از این آسیب‌های آموزش مجازی؛ انتظارات بیش از حد برخی از دانش‌آموزان و در نتیجه اختصاص مدت زمان کمتر برای خانواده معلمان بود. به نظر شما علل این مسئله چیست؟ و چگونه می‌توان برنامه‌ریزی صحیحی برای مدیریت زمان معلمان داشت؟

زمانی که از آموزش مجازی صحبت می‌کنیم بدین معنا است که باید سیستم آموزشی، محتوای آموزشی را به شیوه‌ای طراحی کند که یادگیرنده‌ها بتوانند بدون نیاز به ارتباط حضوری، مسائل را یاد بگیرند و از طرفی خروجی عملکرد خود را برای سنجش این موضوع که یادگیری اتفاق افتاده، ارائه دهند.

زمانی که معلم تکلیفی به دانش‌آموز واگذار می‌کند، قصد اذیت و آزار او را ندارد. هدف از دادن تکالیف این است که دانش‌آموزان تجربه، تمرین، تکرار و مرور کنند تا یادگیری اتفاق بیفتد. الان مسئله اینجا است که معلمان پلتفرم مفید ندارند و سیستم شاد در سال گذشته به صورت مکرر قطع و وصل می‌شد و کاربری‌های آن محدود بود. بسیاری از والدین و معلمان نمی‌دانستند چگونه از آن استفاده کنند. همه این عوامل باعث ایجاد یک به هم خوردگی شد. از جمله این نابه‌سامانی‌ها، این بود که برای معلمان

یک زمان‌بندی مشخصی وجود نداشت، بدین ترتیب ساعات مختلف در اختیار دانش‌آموزان بودند.

طبق سوالی که پرسیدید، اینکه توقع والدین بالا می‌رود، واقعیت این است که برخی والدین پر توقع همواره در سیستم آموزش حضوری و نیز در آموزش مجازی هم با وجود اضطراب‌ها و تنش‌ها وجود داشته‌اند. این اضطراب در آموزش مجازی بیشتر شد و والدین نگران یادگیری فرزندشان هستند. بسیاری از آن‌ها پیش از این، به آموزش مجازی اعتماد نداشتند. سیستم هم، سیستم کارآمدی نبود که اعتماد به وجود بیاید. همگی این موارد منجر به ایجاد یک سری از تنش‌ها برای معلمان، دانش‌آموزان و والدین شد.

سوال مهمی که اینجا مطرح می‌شود این است که؛ چطور می‌توان برنامه ریزی کرد؟! واقعیت این است که آموزش در دنیای مدرن به شیوه الکترونیک است و ما چه خواهیم و چه نخواهیم، حتی زمانی که کرونا تمام بشود، همچنان آموزش الکترونیک با راهکارهایی همچون؛ تغییر و ایجاد ساختارها، نرم افزارها و روش‌های تدریس به ساختار آموزشی ما اضافه می‌شود. بدین ترتیب معلم باید بتواند یک فیلم آموزشی تولید کند، لازم است هدف‌های؛ رفتاری، شناختی، حرکتی و روانی را تعریف کند و بر اساس آن، طرح درس بنویسد و آن دانش‌آموز را به هدف رفتاری مد نظر برساند. این موارد جزء وظایف معلمان است. شاید در دوران آموزش حضوری، نظارتی روی آن نبود و زیاد متوجه نبودیم، چه اتفاقی می‌فتد اما در آموزش مجازی، این موارد علنی‌تر شد. بعلاوه اینکه باید ابزارها را به روزتر کرد که یک معلم بتواند یک فیلم آموزشی تولید کند، فیلم را برای دانش‌آموز خود بفرستد، سپس دانش‌آموزان در موقعیت کلاس (بدون قطعی برق و نت)، تحت ارتباط آن، تکالیف را انجام دهند.

در سیستم نوین آموزش و پرورش، قبل از مجازی شدن قرار بر این بود که تکالیف به بچه‌ها داده نشود و یا بسیار کم باشد تا یادگیری فقط در کلاس باشد و خستگی و دلزدگی از تحصیل اتفاق نیفتاد.



هم‌اکنون در آموزش مجازی که دانش‌آموزان و تکالیف در منزل‌اند. این هنر و زیرکی معلم است که باید با روش‌های خلاقانه محتوای آموزشی را، جذاب کند. فیلم آموزشی، در جمع موزیکال و تکلیف به شکل بازی با توجه به مقطع سن دانش‌آموزان، طراحی شود. گروه تشکیل و زمان بندی شود تا بچه‌ها نظم، ارتباط اجتماعی و احترام به حقوق متقابل را تمرین کنند و یاد بگیرند.

## **عدم کنترل فرزندان در بستر آموزش مجازی چه پیامدهایی را در رفتار کودکان دارد؟ چه تدابیری باید در این ارتباط اندیشیده شود؟ وظایف معلمان در این خصوص چیست؟**

یکی از مسائل مبتلا به الان، فضای مجازی و در اختیار بچه‌ها قرار گرفتن است. واقعیت این است که تا پیش از شیوع ویروس کرونا و مجازی شدن آموزش، قرار بر این بود که زمانی برای استفاده از آموزش مجازی به بچه‌ها امکان استفاده از این ابزارها داده شود، که از نظر روانشناسی مهارت استفاده از ابزار را داشته باشند، یعنی؛ بچه‌ای به این بینش و آگاهی رسیده است که چه تنش‌ها، آسیب‌ها و خطراتی در این سیستم وجود دارد و چطور باید از خودش مراقبت کند، پیشگیری کند و بعد از این ابزار (گوشی تلفن همراه، لپتاپ، تبلت و اینترنت) استفاده کنند. **فضای مجازی مانند چاقوی دو لبه است؛** از یک طرف می‌توان از آن کاربری مثبت گرفت و هم می‌توان از آن استفاده منفی کرد. مانند اینکه: چاقو تیز را برای عمل جراحی استفاده کرده و فرد را نجات داد و همچنین می‌توان یک فرد را کشت. فضای مجازی نیز به همین شکل است و همانطور که بدون در نظر گرفتن زمان و مکان می‌توان از آن استفاده صحیح کرد، به همان میزان نیز تاثیر مخرب دارد.

بچه‌ها می‌توانند با جستجوی یک واژه، حتی با زدن چند حرف اول یک کلمه با دنیایی از اطلاعات مواجه شوند. این موضوع نه تنها تأثیر مثبت ندارد بلکه مخرب نیز است. این تأثیرات منفی فضای مجازی است. قطعاً کاری که می‌توانیم انجام دهیم،

این است که آموزش بدهیم. ما در مسیر اول از کنترل بیرونی استفاده می‌کنیم. کنترل بیرونی، یعنی؛ والدین بر ابزارهایی که در اختیار بچه‌ها می‌گذارند یا خودشان حضور دارند و کنترل می‌کنند یا ابزارهایی را بر روی گوشی، تبلت، لپتاپ نصب می‌کنند که بتواند فیلتر کند. اینجا فیلتر به شدت موثر است تا از ورود اطلاعات ناخواسته در حریم شخصی خانواده و فرزند جلوگیری شود. این جزء حقوق اولیه انسان‌ها است که باید از آن مراقبت کنیم تا در محیط امن باشیم. بحث دوم، موضوع آموزش است. مانند زمانیکه ما می‌گوییم: ساعت ۹ شب نباید در خیابان بود، چون؛ هوا تاریک است و ممکن است ماشین به تو برخورد کند یا جلو پایت را نبینی. بدین ترتیب آسیب‌ها توسط والدین به بچه‌ها گوشزد می‌شود. لازم است آموزش به مرور زمان، تدریجی و متناسب با سن بچه‌ها باشد تا خودشان بتوانند در آینده «**خود کنترلی**» کنند. معلم نقش ویژه‌ای برای بچه‌ها دارد، خصوصاً در مقطع دبستان که بسیار فرصت مهمی است. برای اینکه یک معلم موثر جایگزین بسیاری از خلاءهای روحی، عاطفی و اجتماعی در بچه‌ها می‌شود.





طراحی روش‌های انجام تکلیف و طراحی کارگروهی که در بسیاری از اپلیکیشن‌ها وجود دارد، آموزش دهد. اما متأسفانه معلمان، والدین یا بچه‌ها مطلع نیستند. با چنین کاری می‌توان دقیقا «بازنمایی» کرد و فضای آموزش حضوری را با این اپلیکیشن‌ها ایجاد کرد. پس نقش معلم این است که اول خودش به عنوان الگوی سالم، رفتار سالم را ارائه بدهد، دوماً این که تسلط داشته باشد و واقعا آگاهی داشته باشد که در مقطع کلاس اول دبستان چه آسیب‌هایی میتواند وجود داشته باشد و از کجا باید شروع کرد. در حقیقت باید با استفاده از علم روانشناسی کودک بداند، از کجا باید شروع کند، مبحث را به پیش ببرد و به کجا برساند.

قطعا آموزش و پرورش نقش موثری در این خصوص دارد و باید بسته‌های آموزشی توسط معلمان طراحی شود، متخصصین بسته‌های آموزشی را تدوین نمایند که معلمان آموزش دهند. امروز تحت عنوان فضای مجازی از آن حرف می‌زنیم. اما به طور کلی این تفکر که صرفا معلم باید، فارسی، ریاضی و علوم و ... درس بدهد و برود، بسیار اشتباه است. بچه‌ها مهم‌ترین ساعت‌های شبانه روزیشان را قبلا در مدرسه می‌گذراندند و الان در فضای مجازی هستند. پس این زمان بهترین فرصت برای یادگیری است. زمانی که بچه‌ها به مدرسه می‌روند و در کلاس درس مجازی شرکت می‌کنند؛ یک معلم متخصص و متبحر می‌تواند بصورت غیرمستقیم فضای آموزش غیر رسمی را ایجاد کند که بچه‌ها به مهارت‌های زندگی سالم مجهز شوند. به صورت خودآگاه، یعنی اینکه؛ بچه‌ها تشخیص بدهند؛ من کی هستم؟ چی هستم؟ چه ویژگی‌های مثبت و منفی دارم؟ که در کتاب‌های درسی وجود دارند اما ممکن است بسیار سطحی از کنارش بگذرم. معلمان لازم است این را بدانند که علی‌رغم ساده بودن مباحث باید به آن‌ها توجه شود. اکثر بچه‌ها می‌دانند که پوست و چشمشان چه رنگی است اما باید توجه داشته باشند که این بخشی از خودآگاهی‌شان است و باید خود را همانگونه که

حتما تجربه کردید: یک ستاره و کاغذ رنگی شده‌ای که معلم به بچه می‌دهد به اندازه بسیار زیادی ارزش دارد و از بسیاری چیزهای دیگر ارزشمندتر است. زیرا معلم به ستاره و به این برگه کاغذ، ارزش بخشیده است. پس یک معلم موثر، توانمند و کاربلد که خودش الگوی مناسبی می‌تواند باشد و توانایی برقراری ارتباط مناسب و موثر با بچه‌ها را دارد؛ میتواند با اعتماد سازی فضایی فراهم کند تا حرف‌هایی که بچه‌ها ممکن است از خانواده‌ها نپذیراند یا فضای آن به عنوان اینکه مخاطب صحبت، فرزند یک خانواده باشد، برای آنان قابل قبول نباشد، توسط یک معلم به صورت عمومی آموزش داده شود.

به صورت کلی، در سیستم آموزش، آموزش رسمی و غیررسمی وجود دارد. آموزش رسمی شامل؛ سرفصل‌های آموزشی است که آموزش داده می‌شود و برای آن برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد و آموزش غیررسمی شامل؛ هر آن چیزی است که در سیستم آموزشی، به جزء در مباحث درسی یاد می‌گیریم. همدلی، توجه به یکدیگر، کنترل خشم و نوع دوستی؛ همه این موارد چیزهایی است که یک معلم خوب که الگوی خوبی نیز است، باید با

هستند بپذیرند. پس شروع آموزش از همین موارد و خودآگاهی است و با آموزش؛ کنترل خشم، مهارت تصمیم‌گیری، ارتباط موثر، تفکر فعال و نقاد که در مباحث درسی تدوین شده، ادامه می‌یابد. یک معلم کارآمد که دغدغه دارد، باید در کنار آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی را بگنجانند که بچه‌های سلامت و توانمند پرورش دهد.

## با توجه به تغییر سبک زندگی کودکان در بستر آموزش نقش مادران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ تعامل مادران شاغل با فرزندان خود در بستر آموزش مجازی چگونه باید باشد؟

یکی از دغدغه‌های والدینی که شاغل هستند، حضور بچه‌ها در منزل برای ساعات طولانی است. به دلیل شرایط کرونا، بیکاری، ساعت خوابی که مخدوش شده (چون بچه‌ها تعهد نداشتند که ساعت خاصی بیدار شوند)، بلا تکلیفی والدین، عدم اطلاع والدین و قطع رابطه آن‌ها با اولیا و مربیان، در دسرهای بسیاری به وجود آمده است. (بخشی از جواب این سوال در سوال قبل است.) واقعا لازم است ما به بچه‌هایمان آموزش دهیم. «میوه ممنوع، شیرین تره»، یعنی؛ هر چقدر بچه‌ها را دور کنیم، ممکن است در ابتدا ندانند که موضوع چیست اما بعد خودشان با یک تلنگر و شنیدن حرف از دیگران، یک سرچ کوچکی کنند و از آنجا که موضوع ناشناخته است، کنجکاو شوند. این کنجکاوای تحریکشان کند و با مسئله زودتر از موعد سنی که توان تحلیلش را دارند مواجه بشوند.

پس مادران شاغل و به طور کلی اساسا والدین، قطعا وظیفه‌ی آن‌ها در دوران آموزش مجازی سنگین‌تر خواهد بود و باید برنامه‌ریزی کنند تا کنار بچه‌ها باشند. انتظار نداریم وظیفه خیلی سنگینی بر دوش والدین بیفتد، چون بخشی از هدف مدرسه رفتن، ایجاد استقلال در بچه‌ها است. به بچه‌ها آموزش دهیم، مستقل بشوند. برعکس این موضوع که والدین اعتراض می‌کردند؛ در ۲ سال گذشته، خودشان (والدین) درس می‌خواندند

و تکلیف می‌نوشتند. این اصلا مطلوب نیست. زیرا هدف از؛ مدرسه رفتن، برگشتن و انجام تکلیف تمرینی برای مسئولیت‌پذیری در آینده است.

همانطور که هدف ما از فرزند پروری این است که؛ فرزند؛ شاد، سالم و مستقل پرورش دهیم، این استقلال را بچه‌ها در فضای مدرسه تمرین کنند. در فضای مجازی هم بدین شکل است که ممکن است بچه‌ها یک یا دو هفته اول نیاز داشته باشند والدین در کنار آن‌ها باشند. بعد از آن باید کم کم بچه‌ها به تنهایی استفاده از فضای مجازی، زمان‌بندی این فضا برای انجام تکالیف و مدیریت انجام وظایف را یاد بگیرند. وظایف والدین هم‌اکنون سنگین‌تر است اما همانطور که همیشه از آن حرف می‌زنیم؛ آموزش مانند یک سرمایه‌گذاری است. برای مثال ما پول را در یک حساب هم پس انداز کنیم، باید یک ماه بماند تا به سود برسد. در آموزش و پرورش هم همینطور است. پدر و مادری که دو، سه هفته اول را وقت بگذارند و حوصله کنند و مسائل را به فرزند خود آموزش دهند، ممکن است زمان بیشتری از آن‌ها بگیرد ولی بعد از آن، فرزند آن‌ها در نه ماه تحصیلی به صورت «خودانگیز» و «مستقل» عمل می‌کند. پس نقش اصلی والدین این است که نترسند، عصبانی نشوند و سعی کنند؛ واقعیت موجود را بپذیرند. وظایفی به وظایفشان اضافه می‌شود ولی اگر درست تدبیر و برنامه‌ریزی کنند و در کنار سیستم آموزشی پیش بروند، می‌توانند پس از دو تا سه هفته مسئولیت را به فرزند خود واگذار کنند. قطعا در مقطع اول دبستان دشواری وجود خواهد داشت ولی در سایر مقاطع کمتر است.

در خصوص تعامل والدین با بچه‌ها می‌توان گفت؛ شاید یکی از تلنگرهای دوران کرونا این بود که والدین آن دسته از فرزندان که بسیار از بچه‌ها دور بودند، زمان بیشتری را با هم وقت گذراندند و مجبور شدند که تعامل را بیشتر کنند. در این فضای مجازی که امکان ارتباط بچه‌ها، بیرون از خانه و با همسالانشان کمتر شده، قطعا یک وظیفه جدی که قبلا هم بود، فقط والدین باید به آن آگاه‌تر

**به دلیل عدم امکان تهیه وسایل الکترونیکی برای تدریس و تحصیل مجازی در دوران کرونا، بانوان معلم و فرزندانشان (به عنوان دانش آموز) در بسیاری موارد با نوعی سردرگمی و تداخل زمانی آموزش روبرو هستند. به نظر شما چه راهکاری در این زمینه وجود دارد؟ دولت برای رعایت حقوق این افراد چه تصمیماتی را باید اتخاذ کند؟**

واقعیت این است که؛ همان اتفاقی که برای معلمان می افتد، برای مشاغل دیگر هم وجود دارد، یعنی مثلاً؛ پدر و مادری که از گوشی، تبلت و لپتاپ برای کار خود برای کار مهندسی استفاده می کرده، حالا باید در اختیار فرزند خود بگذارند. پس این موضوع صرفاً مبتلابه معلمان نیست. به طور کلی مسئله این است که با آموزش مجازی، ابزارهایی نیاز شد که والدین و فرزندان باید با هم داشته باشند و استفاده کنند. این یک مسئله است که؛ تامین منابع مالی، کمک کننده می باشد. ساختن اپلیکیشن های کنترلی و فیلترینگ کردن این ها، راهکارهای موثر هستند.

این مبحث بسیار گسترده ای است و تولید کننده داخلی باید بتواند با برنامه ریزی و کمک دولت، تولید خود را به صورت گسترده ادامه دهد و ابزارهای

باشند این است که؛ والدین باید یک ارتباط موثر، سالم، سازنده به همراه همدلی، توجه، درک کردن و همراهی باید با فرزندان خود داشته باشند. و کمی بیشتر از گذشته تاب آور باشند زیرا بچه ها دائماً در خانه هستند، امکاناتشان تغییر کرده، روابط اجتماعی شان محدود شده است و خود ترس، اضطراب، شستن مداوم دست ها و وسایل و آمار افرادی که درگیر کرونا هستند یا بر اثر آن فوت کرده اند، مزید بر علت می شود. همه این موارد نشان می دهد که نیاز است والدین به صورت «آگاهانه» بیشتر تحمل و همکاری کنند. البته نه این که از آن طرف ماجرا هم، والدین آنقدر زیاد کوتاه بیایند و به بچه ها بها دهند که فرزندان شان تبدیل به بچه های «بیش بها داده شده» بشوند. باید حواسمان باشد، همان قدر که محرومیت و محدودیت، مخرب است، توجه بیش از اندازه، بها دادن بیش از اندازه، هم مخرب است. پس همانقدر که یک بچه به دلیل اینکه خانواده اش به او در سیستم آموزش مجازی توجه نمی کنند، از یادگیری عقب می افتد، پدر و مادری هم که بیش از اندازه، بها می دهند، حتی تکالیف بچه را خودشان می نویسند و ارسال می کنند، این افراد نیز به بچه ها آسیب می زنند. پس از هر دو نظر باید یاد بگیریم و کنترل کنیم.



مورد نیاز آموزش مجازی را به صورت اقساطی و با کمک یارانه در اختیار دانش‌آموزان و معلمان قرار دهند تا به نوعی کمک کننده باشند.

## با توجه به عدم زیرساخت‌های مناسب در حوزه آموزش مجازی، کودکانی که از آموزش محروم مانده‌اند در معرض چه آسیب‌هایی خواهند بود؟

این موارد به حیطة روانشناسی مربوط نمی‌شود اما سوال بسیار مهمی است. با توجه به اینکه زیرساخت برای آموزش مجازی وجود ندارد، دانش‌آموزانی که از تحصیل محروم شوند، دردسر بزرگی را تجربه می‌کنند. زیرا دانش‌آموزان دیگر کلاس‌های مجازی را تجربه کردند و ابزارها را یاد گرفتند، برای مثال؛ دانش‌آموزی که در گذشته لپ‌تاپ نداشته و استفاده نمی‌کرده است با مجازی شدن آموزش، مهارت استفاده از آن را به تدریج آموخته و اکنون بسیار راحت می‌تواند از لپ‌تاپ استفاده کند، تایپ کند، بنویسد، عکس بگیرد و عکس را آپلود کند. بدین ترتیب این دانش‌آموزان (محروم از تحصیل در فضای مجازی) از بسیاری از کاربری‌هایی که در فضای مجازی وجود داشته‌اند محروم شدند. اما آموزش و پرورش در این دوران کار ارزشمندی را انجام داد و آن اینکه؛ آموزش را به صورت برنامه‌ی تلویزیونی طراحی کرد تا هر کسی، در هر جایی از کشور، اگر تلویزیون داشته باشد، بتواند از آموزش استفاده کند.

امیدواریم در کنار فعالیت‌هایی که در آموزش و پرورش به صورت کلان انجام می‌شود، برای این موضوع نیز راهکار تدبیر شود (برای دانش‌آموزانی که از آموزش محروم می‌مانند). البته یکی از محاسن آموزش مجازی این است که؛ بسیاری از دانش‌آموزانی که فرصت این را نداشتند که در مدرسه حضور پیدا نکنند یا راهشان دور بوده است (مثلاً؛ باید در برف و سرما یک رودخانه را سپری می‌کردند)، این موارد کنترل شده و در منزلشان هم می‌توانند از آموزش استفاده کنند. آموزش مجازی با استفاده از ابزار تلویزیون، این مسئله و آسیب‌های محرومیت برخی از دانش‌آموزان از فضای مجازی را کاهش داده است.

پس این موضوع از محاسن و فرصت‌های آموزش مجازی و الکترونیکی است که در جواب سوال اول اشاره شد و نظام آموزشی باید به سمت آن پیش برود و اصلاً نیازی نباشد دانش‌آموزان مسیری را برای کسب علم سپری کنند. بدین صورت حتی در مناطق محروم نیز اگر دانش‌آموزان تلویزیون داشته باشند، می‌توانند این یادگیری را ادامه بدهند.

به صورت کلی راجع به این مسئله که؛ در برخی مناطق تلویزیون وجود ندارد یا برخی محروم از مهارت یادگیری ابزار آموزش مجازی می‌مانند، باید گفت؛ هیچگاه در یک جامعه نمی‌توان برای همه افراد شرایط یکسان و مشابهی را ایجاد کرد. به همین دلیل، در بحث روانشناسی باید به دانش‌آموزان، آموزش داده شود که ناپستی خود را با دیگری مقایسه کنند و لازم‌هی زندگی این است که تاب‌آور باشند. یعنی؛ اگر مسئله‌ای پیش آمد، بتوانند تحمل کنند و برای حل آن تدبیر کنند. بنابراین محرومیت از تحصیل دارای آسیب‌هایی است و دانش‌آموزان با افزایش سن از همسالانشان عقب می‌افتند و سپس در موقعیت‌های کاری و اجتماعی که قرار است با مقایسه وارد اجتماع بشوند، محرومیت این دوره، در آن زمان اثر می‌گذارد. البته حتی با وجود ابزارها و امکانات فضای مجازی، در حال حاضر بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان نتوانسته‌اند به درستی مطلب درسی را یاد بگیرند.

از محاسن دوران آموزش مجازی، این بود که؛ روحیه همکاری ارتقا یافت و افراد به صورت گروهی، تکالیف را انجام دادند و از معایب آن این بود که؛ با وجود راهکارها و برنامه‌ریزی‌ها برخی دانش‌آموزان با یکدیگر امتحان دادند. بنابراین باید برای دوران پسا کرونا برنامه‌ریزی صورت گیرد، «باز آموزی» اتفاق بیفتد و نحوه سنجش و ارزیابی وضعیت یادگیری دوره‌های قبلی بررسی شده و در مواد درسی و سرفصل‌های آموزشی سال‌های آتی بازبینی صورت گیرد.

**بسیار سپاسگزاریم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. با آرزوی توفیقات روزافزون برای شما و خانواده محترمتان.**



در کشورها ملاک‌ها و آیتم‌هایی برای تایید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری وجود دارد که با توجه به آن‌ها، نهاد مربوطه، به تایید یا رد اشخاص داوطلب می‌پردازد. در جمهوری اسلامی ایران نیز ملاک‌هایی برای تایید صلاحیت داوطلبان در نظر گرفته شده است که با توجه به مسئولیت مهم و موثر رئیس جمهور لازم است تا این آیتم‌ها مورد بررسی قرار گرفته شود.

اصل ۱۱۵ قانون اساسی ایران، اختصاص یه این مطلب دارد که به شرح ذیل است:

«رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

حال در جهان حاضر که شاهد حکومت بانوان بسیاری بر بلاد مختلف هستیم، شایسته است تا بررسی شود که چرا در کشور ما تا به حال شاهد بانوان در مقام ریاست جمهوری نبوده‌ایم؟ سوالی که مطرح می‌شود این است که؛ منظور از کلمه رجال، معنای لغوی یا معنای اصطلاحی

آن است؟ و بر اساس قانون اساسی مصوب کشور، می‌توان در آینده شاهد بانوان در مقام ریاست جمهوری بود؟

قبل از هر چیز بهتر است به معنای لغوی و اصطلاحی رجال که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی ایران به کار رفته است بپردازیم؛ رجال در لغت به معنای مردان و جمع کلمه رجل می‌باشد و در معنای اصطلاحی خود به عنوان اکابر، بزرگان، نجبا و نجیبان به کار رفته است. نظرات مختلف در خصوص معنای رجال به شرح ذیل است:

۱- منظور از رجال در این اصل، معنای اصطلاحی آن است؛ زیرا

اگر از رجال معنای مردان مد نظر بود، می‌توانستند از واژه مردان استفاده کنند تا شک و شبهه‌ای در آن نباشد. از سوی

دیگر ولایت محدود به مقام رهبری بوده است و مقام رهبری، مقامی بالاتر و جدای از مقام ریاست جمهوری می‌باشد. (کار ۱۳۷۶، ص ۶۰)

۲- کلمه رجال کاملاً معنای اصطلاحی و عرفی دارد و با تفسیر بزرگان و ادیبان زبان عرب در این مبحث، کلمه رجال در معنای اصطلاحی به هیچ عنوان نمی‌تواند

معنای مردان باشد و بی شک معنای اصطلاحی آن مد نظر است. (طالقانی، ۱۳۷۶، ص ۵)

۳- در فقه اسلامی دلیل متقنی بر آن که زنان اجازه بر رسیدن به مقام ریاست

جمهوری داشته باشند، وجود ندارد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۶، ص ۳)

المللی و قوانین داخلی است، مانند آنچه که در ماده‌ی یک اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.» همچنین در ماده هفتم آن آمده است: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالاسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.»

با توجه به این ادله فوق می‌توان از حق رسیدن زنان به مقام ریاست جمهوری دفاع کرد اما هنوز مشخص نیست که چرا شورای نگهبان تا به امروز زنان را در مقام تایید صلاحیت رد کرده و زنی در میان داوطلبان تایید شده به چشم نمی‌خورد.



۴- اصل برابری زنان و مردان در احراز پست‌ها و مشاغل است و محدودیت زنان جنبه‌ای استثنایی دارد و تنها باید در جایی آن را اعمال کرد که بدان تصریح شده باشد. (کار، ۱۳۷۶، ص ۶۰)

۵- استفاده از کلمه رجال به معنای ممنوعیت زن از ولایت و حکومت نیست زیرا اگر چنین بود، باید زن را از نمایندگی و عضویت در مجلس قانون گذاری نیز منع می‌کردند. (مهر پور، ۱۳۷۴، ص ۲۹۹ - ۳۰۰)

### اصل جواز

اصل جواز مبتنی بر دو مقدمه است. مقدمه اول، این که انسان‌ها از هیچ کاری ممنوع نیستند و از هیچ حقی محروم نمی‌باشند، مگر آنکه ممنوعیت یا محرومیت صریحاً در قانون ذکر شده باشد. شأن قانونگذار، تحدید اراده افراد و بیان مرز اختیارات آنان است که به وسیله امر و نهی مقصود خود را بیان می‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ص ۶۶) و چنین است که وقتی قانونگذار شرایطی را برای تصدی بعضی مناصب حکومتی وضع می‌کند، با این کار برخی از رسیدن به این مناصب محروم می‌شوند. به عنوان مثال، در اصل ۱۰۹ ق.ا. سه شرط در مورد صفات رهبر ذکر شده است: صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه؛ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. با توجه به این اصل می‌توان نتیجه گرفت که افراد فاقد این شرایط نمی‌توانند رهبر شوند. همچنین معلوم می‌شود که جز شرایط مذکور، هیچ شرط دیگری برای رهبری لازم نیست. مثلاً شرط مرجعیت برای رهبری، لازم نیست؛ زیرا اگر این شرط لازم بود، باید در قانون ذکر می‌شد.

### اصل مساوات

اصل مساوات از اصول مهم در قوانین بین

# مصاحبه با سرکار خانم سحر کرباسی با موضوع «شغل و کالت و چالش‌های آن»

آمنه چرے ہا  
کارشنائے ارشد فقہ و مباحث حقوقی اسلامی

در این شماره این افتخار به ما دست داد که در خدمت سرکار خانم سحر کرباسی وکیل پایه یک دادگستری و فارغ التحصیل مقطع کارشناسی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه الزهرا (س) باشیم. انجام مشاوره‌های حقوقی، طرح سوالات آزمون‌های آزمایشی و کالت و برگزاری کلاس‌های آمادگی آزمون و کالت در حوزه و دانشگاه، بخشی از فعالیت‌های ایشان است.



آنکه رفته رفته به آن سوق یافتید؟ علت این علاقه، چه بود؟

واقعیت این است که، من پیش از ورود به رشته‌ی فقه و مبانی حقوق برای اشتغال در حوزه و کالت تصمیم جدی داشتم. سال‌های دبیرستان، راهنمایی و حتی قبل‌تر از آن، تمام فکر و دغدغه من این بود که؛ هدف از خلقت من چیست؟ چه ماموریتی در جهان دارم؟ و جایگاه آینده‌ی من چه خلأی را باید در جهان پر کند؟

در نهایت به این نتیجه رسیدم که؛ تقریباً در همه عرصه‌ها خلا وجود دارد و این موضوع که چه شغلی

سلام و عرض ادب خانوم کرباسی عزیز. لطفا خودتان را برای خوانندگان معرفی کنید و بفرمایید چه مدت است که به حرفه و کالت اشتغال دارید؟

با سلام. اینجانب سحر کرباسی؛ فارغ التحصیل مقطع کارشناسی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهرا (س) هستم و از سال ۱۳۹۷ وارد حرفه‌ی و کالت شده‌ام.

علاقه‌مندی شما برای اشتغال به این حرفه از ابتدا که در رشته فقه و مبانی حقوق پذیرفته شدید، وجود داشت یا

را انتخاب کنم و در کدام حوزه ورود کنم، اهمیتی ندارد. بلکه آمادگی من برای هر عرصه‌ای که انتخاب می‌کنم و وارد می‌شوم، مهم است و باید بتوانم، بهترین خود را ارائه کنم.

پس یک روز مواردی را که به آن‌ها علاقه داشتم، به رشته تحریر درآوردم و توانایی‌ها و استعدادها را در کنار هم گذاشتم. در آن روز متوجه شدم؛ این موضوع که دفتر انشای من در دستان معلم است تا جمله‌سازی‌هایم را به بقیه بچه‌ها نشان دهد؛ یا اینکه تمامی کنفرانس‌های کلاسی را بدون کوچکترین اشکالی و از حفظ ارائه می‌کنم، بدون حکمت نیست. خداوند به من قدرت تحلیل و استدلال عنایت کرده تا مسائل را به گونه‌ای کنار یکدیگر بگذارم که طرف مقابل حرف من را بپذیرد و این مسئله حتماً دلیلی دارد.

همه‌ی این موارد من را به رشته حقوق و حرفه وکالت علاقه‌مند کرد و از گذشته تا به امروز این شغل را که نوعی ماموریت می‌دانم، دوست دارم.

**با توجه به تجربیاتی که در طول سال‌ها کسب کردید، اگر به گذشته برگردید، شغل وکالت را انتخاب می‌کنید؟**

با وجود اینکه گاهی اوقات فشار کاری یا شرایط سختی که در دادگاه به وجود می‌آید، ممکن است در یک لحظه من را از انتخاب شغل وکالت پشیمان نماید، اما اگر به گذشته برگردم و به من قدرت انتخاب دوباره بدهند، حتماً حرفه وکالت را انتخاب می‌کنم.

**آیا صرفاً قبولی در آزمون وکالت برای کار کردن به صورت حرفه‌ای کافی است؟ برای یک وکیل چه دانش‌ها و مهارت‌هایی لازم است تا بتواند در حرفه خود موفق باشد؟**

افراد برای قبولی در آزمون وکالت، باید مسیر سختی را پشت سر بگذارند، اما لازم است بدانند که قبولی، صرفاً شروع ماجرا است و کافی نیست. پس بایستی مهارت‌های لازم برای داشتن روابط اجتماعی مناسب، رفتار شناسی، هنر خوب شنیدن، هنر استدلال کردن

به صورت صحیح و مناسب را کسب کنند و مهارت‌های تخصصی رشته‌ی حقوق را بیاموزند. زیرا حرفه وکالت، گسترده است و اگر یک وکیل بخواهد، در شغل خود موفق باشد، باید از میان رشته‌های تخصصی وکالت، رشته مورد علاقه خود را انتخاب و در آن زمینه به صورت تخصصی مطالعه و کار نماید.

**در طول مدتی که به حرفه وکالت اشتغال دارید، با چه چالش‌ها و مسائلی روبرو بوده‌اید؟ چگونه توانسته‌اید مسائل را مدیریت کنید؟**

به نظر من، مسائل و چالش‌های وکالت به تعداد پرونده‌ها و روزهایی است که در این حرفه فعالیت دارید. بزرگترین چالش برای من، استرس شغل وکالت بوده است و برای مدیریت آن سعی کرده‌ام این موضوعات را بپذیرم که؛ صدور رای و تضمین نتیجه وظیفه‌ی من نیست. بلکه من وسیله و واسطه‌ی خداوند برای احقاق حق موکلم هستم. بنابراین تحمل بیش از اندازه استرس و فشار، شاید کارآیی را کاهش دهد و چاره‌ای جز مدیریت آن وجود ندارد تا موکل به نتیجه‌ای که در توان وکیل و مطلوب او است، برسد.

**آیا برای بانوان، انتخاب شغل وکالت مناسب است؟ در دادگاه‌ها تبعیضی میان بانوان وکیل با آقایان وجود دارد؟**

راجع به مناسب بودن شغل وکالت برای بانوان، نمی‌توان به صورت کلی نسخه نوشت و باید در نظر داشت که حتماً این موضوع، نسبت به هر فرد، متفاوت است و قاعده کلی و ثابتی ندارد. هر شخص باید توانایی‌های خود را در نظر بگیرد و بررسی نماید که با تمام چالش‌ها و موانعی که وجود دارد، آیا این شغل مناسب او هست یا خیر؟! و اما راجع به قسمت دوم سوال باید بگویم؛ من تا به امروز در دادگاه، تبعیض جنسیتی میان وکلای زن و مرد ندیده‌ام.

**برای انتخاب وکیل، از نگاه موکلان تفاوتی میان بانوان و آقایان وجود دارد؟ در صورت وجود تفاوت، علت آن در موضوع**



## پرونده است یا آنکه عرف جامعه در انتخاب متفاوت آن‌ها تاثیرگذار است؟

در طول چند سال گذشته که به این حرفه اشتغال داشتم، بنده با این مورد مواجه نشدم که موکلین، تفاوتی میان وکیل زن یا مرد قائل شوند و موکل، وکیل خانمی را به دلیل جنسیت او انتخاب کرده باشد یا اینکه از انتخاب او صرف نظر کند، بلکه برای انتخاب وکیل، فاکتورهایی همچون؛ تخصص، تجربه و توانمندی را در نظر می‌گیرند.

**به نظر شما ایجاد صفحات مجازی توسط وکلا، در نرم‌افزاری مانند اینستاگرام برای خود وکیل و جامعه وکالت مناسب است؟ این صفحات تا چه میزان می‌توانند در ارتقای دانش مردم جامعه مفید و موثر باشند؟ لطفاً اگر تجربه‌ای در این موضوع دارید، بفرمایید.**

واقعیت این است که؛ من تا یک سال پیش، صفحه‌ای در فضای مجازی نداشتم و دلیل آن این بود که؛ گمان می‌کردم داشتن چنین صفحه‌ای زمان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و ضرورتی برای ایجاد آن، وجود ندارد. اما تجربه‌ی یکساله فعالیت من در فضای اینستاگرام، نشان داد که استقبال فوق‌العاده‌ای از صفحات مربوط به رشته حقوق و وکلا می‌شود و مردم عامه نسبت به دریافت اطلاعات و آگاهی از مسائل حقوقی بسیار مشتاق هستند. از طرف دیگر؛ محتوای تولید شده برای افرادی که به صورت تخصصی در رشته حقوق فعالیت دارند، اعم از؛ وکلا، دانشجویان حقوق و داوطلبان آزمون‌ها، بسیار ارزشمند است. به شرط آنکه برای تولید محتوا، زمان مناسبی اختصاص داده شود و به صورت صادقانه و با بیان ساده و متناسب به مخاطب ارائه شود. در این صورت مخاطبان به شکل فوق‌العاده‌ای استقبال می‌کنند.

از نظر من، ایجاد این نوع صفحات در ارتقای دانش جامعه بسیار موثر است و از ابزارهای به روزی است که باید در جهت رسیدن به حداقل حد نصاب دانش حقوقی که برای احاد جامعه لازم و ضروری است، استفاده شود. تا افراد آگاهی و دانش لازم برای مواجهه با

دردسرها و چالش‌هایی که ممکن است در زندگی برای آنان به وجود آید را، کسب کنند و از جرایم و مشکلات حقوقی که از نظر زمان و هزینه سیستم قضایی، وکیل و خود آنان را درگیر خود می‌کند، در امان بمانند.

**با وجود مسائلی که فرمودید، مهم‌ترین انگیزه‌های شما برای ادامه‌ی مسیر وکالت چیست؟**

مهم‌ترین انگیزه من برای ادامه مسیر، دعای خیری است که به لطف خداوند، در انتهای هر پرونده نصیب من شده است و در ادامه نیز، «هموار کردن مسیر ظهور» و «تحقق عدالت» از بزرگترین انگیزه‌های من برای اشتغال در این حرفه است. زیرا هر فرد در هر جایگاه و شغلی می‌تواند خود را برای جامعه مهدوی و آرمان‌شهری که ان شاء الله با ظهور حضرت مهدی (عج) محقق می‌شود، آماده کند.

دلیل من برای تخصص در رشته حقوق و حرفه وکالت این است که بتوانم برای جامعه بعد از ظهور نیز مفید باشم و ان شاء الله جز کسانی باشیم که بتوانیم؛ «عدالت» را، به معنای حقیقی «عدالت» پیگیری کنیم تا به ثمر بنشیند.

**لطفاً اگر توصیه یا مطلب خاصی مد نظر شما است که در سوال‌ها بیان نشده، به مخاطبان عزیز بفرمایید.**

با توجه به اینکه تعداد زیادی از خوانندگان، از دانشجویان حقوق و داوطلبان آزمون وکالت هستند، به آن‌ها توصیه می‌کنم که حتماً علاوه بر کسب آمادگی‌های علمی، سعی بر پرورش خود از نظر روحی و ذهنی داشته باشند و خودشان را به ویژگی‌های اخلاقی که برای جامعه وکالت لازم و ضروری است، آراسته نمایند تا برای قدم نهادن در مسیر وکالت از نظر علمی، روحی و اخلاقی توانایی‌ها و آمادگی‌های مورد نیاز را داشته باشند. در پایان، برای همه عزیزان آرزوی موفقیت دارم.

از شما بسیار سپاسگزاریم که این فرصت را در اختیار ما گذاشتید. با آرزوی موفقیت و توفیقات روز افزون برای شما.



## آقا جان

مه و مهتاب و فلک از رخ رویت، زانو زند آقا جان  
 عاشق و معشوق همه، در جلوت سجده کنند آقا جان  
 روی زیبای تو، عالم کش عالم بودو  
 همه دلتنگ تو، بر سینه زند آقا جان

### فرمانده عشاق

هم هور زمین و آسمانی عباس  
 در مکتب عشق پاسبانی عباس  
 تفسیر قشنگ واژه‌ی ماه تویی  
 یعنی تو یگانه‌ی جهانی عباس



شایق پانی پودنک  
 کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اقلید

گپ و گفتی خودمانی با سرکار  
خانم زهرا جوانمردی  
دانش آموخته برتر، با موضوع  
«مهارت‌های قبولی در آزمون دکتری»

آمنه چرعه‌ها  
کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی



در این شماره این افتخار

به ما دست داد که در خدمت سرکار خانم زهرا جوانمردی، رتبه ۶ کشوری در آزمون دکتری ۱۴۰۰، پذیرفته شده دانشگاه تهران در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی و فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه الزهرا (س) با شمیم.

باقی مانده تا کنکور و احتساب شش روز در هفته برنامه‌ریزی می‌کردم. یک روز در هفته نیز به جبران عقب افتادگی‌های مطالعه و جمع‌بندی دروس اختصاص داشت.

از سوالات مهم داوطلبان آزمون دکتری، منابع مطالعاتی است. شما برای آزمون کتبی از چه منابعی برای هر درس استفاده کردید؟ معیار انتخابتان چه بود؟

بنده برای دروس اختصاصی از منابع اصلی استفاده کردم. برای درس فقه علاوه بر ترجمه، در برخی موارد از «شرح الروضه البهیه» و خلاصه متون عربی نیز استفاده کردم زیرا گاهی اوقات سوالات به زبان عربی طرح می‌شوند. برای درس اصول فقه نیز، کتاب «شرح اصول مظفر» را مطالعه نمودم. البته لازم است اضافه کنم که؛ من از تمامی مباحث «خلاصه‌برداری» می‌کردم و این تلخیص‌ها در مطالعه مجدد، کمک بسیاری به من کرد.

اصلی‌ترین بخش آزمون دکتری، مصاحبه دانشگاه با پذیرفته شدگان است. در مصاحبه چه سوالاتی پرسیده می‌شود و ملاک پذیرش دانشجو چیست؟

سوالات مطرح شده در مصاحبه‌ها وابسته به

ضمن عرض تبریک موفقیت شما در آزمون دکتری، لطفاً برای آشنایی خوانندگان عزیز خودتان را معرفی کنید.

اینجانب زهرا جوانمردی هستم؛ متولد سال ۱۳۷۳، متاهل و با افتخار مادر دو دختر زیبا، مهربان و بی‌نظیر هستم. دیپلم تجربی از دبیرستان فرزنانگان تهران دارم. مقطع کارشناسی را در رشته فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری، مقطع کارشناسی ارشد را در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهرا (س) گذرانده‌ام و در آزمون دکتری ۱۴۰۰ موفق به کسب رتبه ۶ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی شدم.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد، آزمون دکتری و نحوه قبولی در آن است. شما چگونه برای این آزمون مطالعه و برنامه‌ریزی کردید؟

بنده از اوایل مهرماه ۱۳۹۹ مطالعه منابع را شروع کردم. البته مطالعه جدی بنده از اول آذر آغاز شد. به دلیل اینکه وظیفه‌ی اصلی من، مراقبت از فرزندانم است، از ساعت ۱۲ شب تا ۶ صبح را به صورت متمرکز مطالعه می‌کردم و برخی اوقات تا ساعت ۱۰ صبح نیز ادامه می‌یافت. برنامه‌ریزی بنده بر طبق صفحات کتب منابع بود و بر اساس تعداد هفته‌های

دانشگاه مصاحبه‌کننده متفاوت است. برای مثال؛ دانشگاه شهید مطهری و دانشگاه تهران از «رسائل و مکاسب» سوال می‌پرسند. اما تا جایی که بنده اطلاع دارم، سایر دانشگاه‌ها منابع کنکور در کنار «آیات الاحکام» و «قواعد فقهی» را مد نظر دارند.

از نظر بنده علاوه بر رتبه کنکور و روند مصاحبه، سوابق آموزشی (معدل، نمرات دروس تخصصی، دانشگاه محل تحصیل در مقاطع گذشته و ...) و سوابق پژوهشی (مقالات علمی-ترویجی و علمی-پژوهشی؛ کتب؛ موضوع و نمره پایان‌نامه و ...) داوطلب مورد توجه دانشگاه‌ها است. برخی دانشگاه‌ها همچون؛ دانشگاه شهید مطهری و دانشگاه امام صادق (ع) قبل از مصاحبه، آزمون کتبی برگزار می‌کنند و نمرات آزمون کتبی در دعوت داوطلبان به مصاحبه، تعیین‌کننده است. در سوالات مصاحبه، علاوه بر سوالات مربوط به دروس تخصصی (فقه و اصول فقه) ممکن است زبان انگلیسی و قواعد عربی نیز پرسیده شود. البته دانشگاه شهید مطهری به جهت داشتن جنبه حقوقی در عناوین رشته‌ها، از منابع حقوقی مربوط به حقوق خصوصی (حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی و حقوق تجارت) یا حقوق جزا (حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی و آیین دادرسی کیفری) نیز سوالاتی می‌پرسد.

به صورت کلی، به فردی که در کنکور سراسری رتبه خوبی کسب کرده و داوطلب شرکت در مصاحبه دانشگاه‌های مطرح کشور در رشته فقه و حقوق است، توصیه می‌کنم که تا زمان برگزاری کنکور، صرفاً «منابع اصلی دروس اختصاصی» را با دقت و نکته برداری مطالعه کند و از تست‌های کنکور سال‌های گذشته غافل نشود. علاوه بر آن برای دروس عمومی، «قواعد زبان عربی» و «زبان انگلیسی اختصاصی» را مطالعه نماید. برای استعداد تحصیلی صرفاً کتاب اصلی معرفی شده به عنوان منبع کفایت می‌کند.

بهتر است داوطلبان بعد از کنکور به مطالعه

تلخیص‌هایی که خودشان از منابع آزمون کنکور (شرح لمعه، اصول مظفر و مباحث اصول عملیه شیخ انصاری) نوشته‌اند در کنار مطالعه کتب مربوط به تلخیص رسائل و تلخیص مکاسب بپردازند و مطالعه کمی در حوزه آیات الاحکام و قواعد فقهی داشته باشند.

## با توجه به اهمیت پژوهش در مقطع دکتری، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته فقه چگونه می‌توانند رزومه پژوهشی قوی آماده کنند؟ رعایت چه نکاتی برای آنان لازم است؟

از نظر بنده اساسی‌ترین و شاید مهم‌ترین گام در آغاز روند گزینش پژوهشی جهت ورود به مقطع دکتری، توجه بسیار به پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. اگر پایان‌نامه‌ای قوی با موضوعی جدید و مطالعه دقیق در دست دانشجوی کارشناسی ارشد باشد، مهم‌ترین گام در روند پژوهشی را آغاز کرده است. اگر بتوان از پایان‌نامه یک یا دو مقاله علمی-پژوهشی یا علمی-ترویجی استخراج نمود و یا پایان‌نامه غنی باشد و بتوان وارد مراحل چاپ کتاب شد، داوطلب دکتری با یک تیر چند نشان زده است. بدین ترتیب او علاوه بر داشتن رزومه قوی پژوهشی می‌تواند گستره پیشنهادی رساله مقطع دکتری خود را پیدا کند. زیرا دانشگاه‌های مطرح طی روند ثبت‌نام داوطلب برای مصاحبه دکتری از وی پیشنهاداتی را برای موضوع رساله دکتری می‌خواهند.

## با توجه به اینکه دانشجویان در رشته فقه، منابع حقوقی کمتری نسبت به دانشجویان رشته حقوق مطالعه می‌کنند، به نظر شما آیا می‌توانند برای گرایش‌های مختلف حقوقی در مقطع دکتری آزمون دهند؟ برای قبولی چه نکاتی را باید در نظر بگیرند؟

با توجه به اینکه مهم‌ترین منبع قوانین و پایه حقوق جمهوری اسلامی ایران، متخذ از فقه

دکتری انتخاب کند.

## 🎓 در پایان از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، بسیار سپاسگزاریم. لطفاً اگر توصیه و پیشنهادی برای دانشجویان و فارغ التحصیلان دارید، بفرمایید.

بنده قطعاً در جایگاهی نیستم که توصیه‌ای داشته باشم اما می‌توانم پیشنهاد کنم که دوستان در هر رشته و جایگاهی هستند، تمام سعی خودشان را به کار گیرند تا بهترین باشند. یک معدل خوب در کنار یک پایان‌نامه غنی و حقیقتاً بر مبنای پژوهش و مطالعه که امکان استخراج مقاله علمی-پژوهشی یا علمی-ترویجی را داشته باشد، بهترین سابقه آموزشی و پژوهشی است.

در ابتدا ممکن است آغاز پروژه‌های پژوهشی سخت به نظر برسد، اما حقیقتاً آنقدر دشوار نیست. علاوه بر آن حتی انجام یک پژوهش موفق، نویدبخش آسان شدن بسیاری از پژوهش‌های آینده است.

پیشنهاد دیگر بنده؛ اهتمام بر خلاصه‌برداری از درس است. مطالعه خلاصه‌ای از هر درس که توسط خود فرد نگاشته شده باشد، با مطالعه تلخیص‌های موجود در بازار کتاب، بسیار متفاوت است.

از مصاحبه با شما بسیار خرسند و سپاسگزاریم و از خداوند متعال برای شما و خانواده محترمتان توفیقات روز افزون می‌طلبیم.



شیعه است، قطعاً دوستانی که آشنایی کمتری با منابع حقوقی دارند اما تسلط خوبی بر مبانی فقهی دارند می‌توانند با مطالعه منابع حقوقی حتی در بعضی موارد بهتر از سایر داوطلبان نتیجه بگیرند زیرا واقف به مبانی هستند. اما قطعاً موفقیت در آزمون‌های وکالت، قضاوت و سردفتری حتی برای دانشجویان حقوق نیز اصلاً آسان نیست. لکن توصیه بنده در این میان، ابتدا مطالعه متن قوانین و تفسیر آن‌ها است. چرا که صرف مطالعه دقیق و تفسیری قوانین در هر گرایشی، سواد حقوقی لازم و کافی را در اختیار داوطلبان قرار خواهد داد.

## 🎓 بزرگترین ابهام دانشجویان و فارغ التحصیلان مقطع ارشد، انتخاب میان؛ مطالعه برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری و مطالعه برای آزمون‌های حقوقی است. لطفاً بفرمایید انگیزه شما برای مطالعه مقطع دکتری چیست؟ دوستان عزیز چگونه می‌توانند انتخاب درستی داشته باشند؟

انگیزه اصلی بنده برای حضور در مقطع دکتری، علاقه‌ای است که به دروس تخصصی رشته خودم، علی‌الخصوص اصول فقه دارم. از نظر بنده ملاک اصلی، علاقه و اولویت افراد در تعیین اهدافشان است. بنده علاقه زیادی به مطالعه مبانی اصیل اسلامی و استخراج و تطبیق این مبانی با قوانین جاری کشور دارم و حتی سعی نمودم بخش زیادی از مطالعات پژوهشی خود را به این مهم اختصاص دهم. حقیقت این است که ضعف اساسی تمدن‌سازی نوین اسلامی در حوزه علوم انسانی است و غافل شدن جامعه‌ی دانشگاهی کشور از ایجاد گفتمان بومی و مطابق با دین اسلام و فرهنگ ایرانی، این ضعف را صد چندان کرده است.

از نظر بنده، هر فردی باید بر اساس علایق و اهداف زندگی شخصی و اجتماعی خود، میان آزمون‌های حقوقی و ادامه تحصیل در مقطع



## معرفی کتاب شهید مطهری

زینب تویلی  
کارشناسیه فقه و مبانی حقوق اسلامی

در آفرینش، به تفاوت‌های موجود در آفرینش و طبیعت زن و مرد می‌پردازد. به باور ایشان این تفاوت‌ها باعث می‌شود که زن و مرد از جهت حقوق طبیعی و فطری وضع ناهمگونی داشته باشند. به نظر استاد شهید، روابط حقوقی خانوادگی زن و مرد در دیدگاه قرآن ویژگی‌هایی دارد که با فرهنگ جاهلی پیش از اسلام و فرهنگ امروزی نیز متفاوت است. یعنی زن از آن جهت که زن است و مرد نیز از آن جهت که مرد است در جهاتی همانند نیستند، زیرا در آفرینش و طبیعت، یکنواخت نیستند. از این رو با تساوی کاملی که در انسانیت دارند و از ارزش یکسانی برخوردارند، از جهت مسائل حقوقی، وظایف، تکالیف، مجازات‌ها و ... وضع مشابهی ندارند. در عصر کنونی سعی می‌شود، میان زن و مرد از جهت وضع قوانین، مقررات، حقوق و وظایف، وضع یکسان و همانندی پدید آورند و تفاوت‌های طبیعی و غریزی زن و مرد را نادیده بگیرند. استاد مطهری، تساوی حقوق زن و مرد را حقیقتی مسلم دانسته است، اما تشابه و همانندی را نادرست و غیرممکن شمرده است، زیرا با توجه به ساختار آفرینشی زن و مرد و ویژگی‌ها و نیازهای جسمی و روحی آنان، حقوق مشابه، نه ممکن است و نه سزاوار، بلکه شایسته است که زن حقوق متناسب با خود را به دست آورد، و در حدودی که طبیعت زن و مرد تفاوت داشته و اقتضا می‌کند حقوق آنان نیز تفاوت داشته باشد. این سخن با عدالت و حقوق فطری سازگار است و سعادت انسان با چنین منطبق هماهنگی با آفرینش تأمین می‌شود، زیرا زن و مرد با توانایی‌ها و نیازهای متفاوتی که از طبیعت گرفته‌اند در عرصه اجتماعی، خانواده و ... ظاهر می‌شوند، بنابراین با سندهایی که قانون طبیعی و چگونگی

نگاهی گذرا به تاریخ چنین می‌نماید که زن در بیشتر مقاطع و جوامع از نوعی محرومیت رنج برده است و حقوق انسانی او تحت سلطه و سیطره مردان و فرهنگ مردسالاری تزییع شده است. از طرف دیگر باورهای افراطی فمینیسم با ایده زن سالاری و زن مداری نیز بیش از پیش به زیان زنان می‌باشد. با مراجعه به آیات قرآن، به نگرشی متعادل دست می‌یابیم که مخالف با این افراط و تفریط‌ها است.

شهید مطهری بیان می‌کند که «زن در قرآن همان زن در طبیعت است.» کتاب تشریح (قرآن) با کتاب تکوین (طبیعت) یک برداشت را ارائه کرده‌اند. اوج سخن از حقوق زن در قرآن، همین انطباق و هماهنگی است. قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم. آیه ۱ از سوره مبارکه ی نساء می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...»: «ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، آن که شما را از یک نفس (جنس) آفرید و از آن (نفس واحد) همسر او را و از آن دو مردان و زنان بسیار پدید آورد.»

از آیات قرآن فهمیده می‌شود که آفرینش انسان چه مرد و چه زن از یک جنس و به یک گونه بوده است. خداوند زن (حوّا) را از همان جنس (گل) آدم آفریده است. جنس آدم و حوّا یکی است و آفرینش آن دو از خاک است. در آیات دیگر نیز به صراحت اشاره شده که زن و مرد در آفرینش یکسانند و هیچ یک بر دیگری امتیازی ندارند. استاد شهید مطهری پس از بحث در آفرینش انسان و جایگاه زن

آفرینش به زن و مرد داده، حقوق هریک مشخص می‌شود. سرپیچی از این قانونمندی سبب ظلم به زن یا مرد می‌شود. با نادیده گرفتن تفاوت طبیعی و چشم بر واقعیت بستن به حق انسانی تجاوز می‌شود، این سرپیچی ممکن است با شعارهای فریبنده‌ای چون حقوق مشابه زن و مرد باشد.

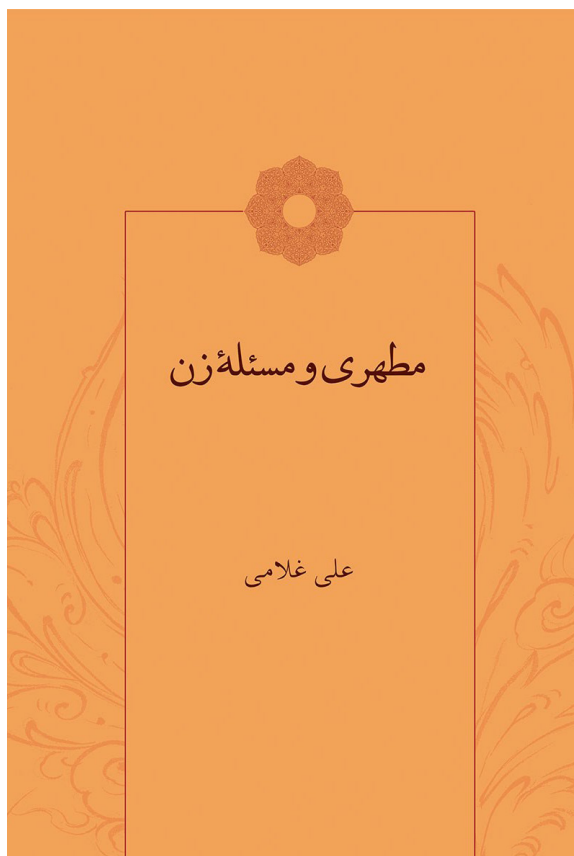
در جایی دیگر به تعبیری دیگر مطرح می‌کند که «سعادت هریک از زن و مرد و در حقیقت جامعه بشری، این است که دو جنس هریک در مدار خویش به حرکت خود ادامه دهند. آزادی و برابری آن گاه سود می‌بخشد که هیچ کدام از مدار و مسیر طبیعی و فطری خویش خارج نگردند. آنچه در آن جامعه ناراحتی آفریده قیام برضد فرمان فطرت و طبیعت است نه چیز دیگر.» از نظر استاد، اسلام با تعالیم آسمانی خود احیاگر حقوق زن است، به ویژه قرآن در عصر نزولش گام‌های بلند و اساسی را به سود زن و حقوق او برداشت، ولی هرگز در این میان زن بودن زن و مرد بودن مرد را نادیده نگرفت، بلکه زن را همان گونه دید که در طبیعت است. کتاب «مطهری و مسئله‌ی زن» جلد چهارم از مجموعه بازخوانی مطهری پس از چهل سال نوشته علی غلامی است.

در این کتاب به واکاوی اندیشه‌ها و نظرات استاد مطهری درباره سیر تطور حیات اجتماعی زن و مسئله فمینیسم پرداخته شده است و به برخی شبهات درباره مسئله زن در اسلام و غرب براساس دیدگاه استاد پاسخ داده شده است.

در مباحث مختلف کتاب سعی شده است با اقتدا به روش استاد شهید، ابتدا ادعای مطرح در موضوع مورد مناقشه تبیین شود و سپس با محوریت آثار و اندیشه‌های ایشان، پاسخ متناظر با آن ارائه شود. همچنین در مواردی که مطالب به کتب مختلف ارجاع شده است، سعی شد به منابع اصلی رجوع و در صورت نیاز به سایر ابعاد مطلب از منظر صاحبان سایر

آثار پرداخته شود.

در بخشی از کتاب مطهری و مسئله زن می‌خوانیم وضعیت زنان در غرب حاکی از آن است که برای دوره‌ای طولانی تحقیر، مذمت و سرزنش زن از سوی اندیشمندان و متفکران غربی بر فضای جامعه حاکم بوده است. حال در دوره‌ای که قرار است زن از تحقیر و فرودستی خارج شده، به جایگاه واقعی خویش برسد، ظلم جدید و شدیدتری بر زن وارد می‌شود، ظلم انکار زن بودن زن. این ظلم دوم اگر غمبارتر از ظلم اول نباشد، کمتر نیست.



# عوامل موثر در تحکیم بنیاد خانواده از دیدگاه اسلام

مجله سادات موعود

کارشناس فقہ و مباحث حقوق اسلامی

## عوامل تحکیم خانواده

عوامل تحکیم خانواده در سه محور قابل بحث است: وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر، وظایف مردها و وظایف زن‌ها.

الف) از جمله وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر عبارت هستند از: اظهار محبت، خوش‌رویی، تأمین نیازهای زناشویی، رعایت حقوق، همکاری.

ب) از جمله وظایف مردها در قبال همسرانشان عبارت است از: تأمین نیازهای دینی، تأمین نیازهای علمی و فرهنگی، تأمین نیازهای اقتصادی و مالی و غیرت‌ورزی نسبت به زن.

ج) از جمله وظایف زنان در قبال شوهرانشان عبارت است از: پذیرش مدیریت مرد در خانواده، امانت‌داری در غیاب شوهر، رعایت امانت و خیانت نکردن.

## وظایف مشترک برای تحکیم خانواده

در بخش وظایف مشترک زن و مرد، موضوعاتی مطرح می‌شود که فارغ از جنسیت زن و شوهر ملزم به انجام دادن آن هستند تا بنیاد خانواده از استحکام لازم بهره‌مند شود. در ادامه پاره‌ای از اهم این وظایف مطرح می‌گردد:

### ۱- اظهار محبت

از آداب مهم و بسیار سفارش شده در اسلام، اظهار محبت به یکدیگر است. حضرت امام موسی کاظم (ع) به نقل از رسول گرامی خدا (ص) می‌فرماید:

«و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا اليها و جعل بینکم موده و رحمه إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»؛ «و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است.» (فاطر، ۲۱)

خانواده از ابتدای تاریخ تا کنون در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی؛ زیربنای جوامع و منشا فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی‌اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است.

اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به فساد این بنا می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد. دستیابی به این اهداف والای مکتب اسلام و حفظ و حراست دقیق و مستمر از آن، نیازمند توجه جدی به خانواده و پیاده کردن قوانین مربوط به آن در اسلام است و ضروری است کلیه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در تمام سطوح، حق مدارانه و ملهم از نگرش توحیدی و در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد. (بخشی از مصوب پانصد و شصت و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی)



«إذا احب احدكم اخاه فليعلمه فانه اصلح لذات البين»: «اگر یکی از شما برادر دینی‌اش را دوست دارد پس او را از (علاقه خود) آگاه کند؛ چرا که این کار پیوند دوستیشان را استوارتر می‌سازد.» (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۲)

به طور طبیعی هر انسانی همسر خود را دوست دارد. هر چند میزان علاقه انسان‌ها به همسرانشان متفاوت است، در وجود علاقه و دوستی میان آن دو شکی نیست، زیرا با او ازدواج کرده است. پس روشن است که علاقه‌ای در میان آنان بوده که عامل این پیوند شده است. اما این دوستی، همجنس دیگر علاقه‌های انسان از قبیل دوست داشتن مال، خانه و ماشین نیست. همسر او یک انسان است و دارای درک، شعور و عواطف بسیار لطیف و حساس؛ از این رو دانستن هر دو طرف به وجود و شدت این علاقه، تداوم‌بخش زندگی زناشویی است و سبب تحکیم خانواده است و کیفیت زندگی مشترک را چندین و چند برابر می‌کند. پیامبر اکرم (ص) مویده این سخن می‌فرماید: «قول الرجل للمراه: انی احبک لا یذهب من قلبها ابدا»: «این سخن مرد به

همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز

از قلبش بیرون نخواهد رفت.»

(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳)

برخی بر این باورند که زن‌داری

صرفاً در تامین رفاه و پول

خلاصه می‌شود درحالی‌که

این قطعاً کافی نیست.

زن نیازهای عاطفی نیز

دارد که شوهر او باید

آن‌ها را برطرف کند،

وگرنه زندگی آنان به

سردی و دلزدگی می‌گراید،

که این می‌تواند آسیب

جدی برای بنیان خانواده

باشد. پس اینکه مرد علاقه‌اش

را به همسرش با زبان اعلام کند،

اهمیت بسیاری دارد. در گام بعدی

باید این علاقه را در رفتار خود نشان دهد. پیامبر گرامی خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «لذا نظر العبد الی وجهه و نظرت الیه، نظر الله الیهما نظر رحمه فاذا اخذ یکفها و اخذت یکفه تساقطت ذنوبهما»: «هرگاه بنده‌ای به همسرش (از سر محبت) نگاه کند و همسرش نیز به چهره‌ی او بنگرد، خداوند متعال نگاهی از سر رحمت به آنان می‌افکند و اگر دستان همدیگر را بگیرند، گناهان او فرو می‌ریزد.» (ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۱۹۲، به نقل از کتاب مسند زید بن علی، ج ۴۲۰)

نگاه محبت‌آمیز زن و شوهر به یکدیگر و اظهار محبت آنان به همدیگر، عبادت خدا به شمار می‌آید. چنین رفتار ساده‌ای چنان اجر والایی در نزد خدای متعال دارد که رحمت و نظر خدای متعال را جلب می‌کند و از آن ساده‌تر فشردن دست‌های همدیگر، آن اندازه در نزد خدای متعال ارزشمند است که به پاس آن، خداوند گناهان آنان را می‌بخشد. این آموزه از نکات درخشان دین ما است که حاکی از لطافت و ظرافتی است که در نگاه آن به جنبه‌های مختلف زندگی انسان وجود دارد.

## ۲- خوش‌رویی

اصل دوم در تحکیم خانواده خوش‌رویی و خوش‌رفتاری است. پیغمبر اکرم (ص) درباره‌ی خوش‌رویی می‌فرماید: «حسن الخلق یثبت الموده»: «خوش‌اخلاقی دوستی را استوار می‌گرداند.» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۸)

روایات از پیامبر اکرم (ص) در این موضوع فراوان است. در پاره‌ای از این روایات حسن خلق عامل تکامل ایمان معرفی شده است. در روایتی آن حضرت بهترین مردان را: «احسنهم خلقاً مع اهله»: «خوش‌رفتارترین آن‌ها با خانواده‌اش» معرفی می‌کند. (تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۰۴) در روایت دیگری ابوذر غفاری از پیامبر (ص) می‌پرسد: «یا رسول الله ای المومنین اکمل ایماناً؟ قال: احسنهم خلقاً»: «ای رسول خدا کدام یک از مومنان ایمان کاملتری دارد؟ حضرت فرمود: خوش‌رفتارترین آن‌ها.» (خصال، ج ۲، ص ۵۲۴) همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «حسن الناس



ایمانا احسنهم خلقا و الطفهم باهله و انا الطفکم باهلی»: «مومن ترین مردم خوش اخلاق ترین آن‌ها و مهربان‌ترینشان نسبت به خانواده‌اش است و مهربان‌ترین شما با خانواده‌اش من هستم.» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳)

تا این جای بحث درمی‌یابیم که بنای سیره‌ی اهل بیت (ع) بر خوش‌رفتاری و خوش‌رویی است. از ذکر این آیه قرآن نمی‌توان چشم پوشید که فرمود: «و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا»: «با همسران خود به شایستگی رفتار کنید؛ و اگر به علتی از آنان خوشتان نیامد باز هم با شایستگی با آنان رفتار کنید و چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خداوند در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد.» (نساء، ۱۹)

به تعبیر دیگر حتی اگر از زنتان نفرت دارید، باز هم بهتر است که خود را خوش خوی و خوش رفتار نشان دهید چون گاهی خداوند مصلحت بسیار بزرگی در آن قرار داده است و مایه خیر باشد. خیر کثیر و پرشکوهی مثل فرزندان صالح و نیکوکار و تاثیرگذار، درآمد خوب و مبارک، برکت فراوان در زندگی، خویشاوندان بسیار خوب و مانند این‌ها.

### ۳- رعایت حقوق یکدیگر

این مورد سومین عامل تحکیم خانواده و وظیفه‌ی مشترک زن و مرد در خانواده‌ی اسلامی است. روشن و بدیهی است که افراد جامعه نسبت به یکدیگر حقوقی لازم الاجرا دارند که هیچ‌گیزی از انجام دادن آن‌ها نیست. اگر این حقوق رعایت نشود شیرازه‌ی جامعه از هم می‌پاشد و نابود می‌شود و اگر رعایت شود و افراد جامعه خود را متعهد و مسئول بدانند، در آن صورت هیچ رویداد اجتماعی ناخواسته‌ای روی نمی‌دهد. خانواده از مهم‌ترین واحدهای جامعه است و حقوق در آن نقش مهم‌تر و اساسی‌تر دارد. امام سجاد (ع) در رساله حقوق، وظایف و حقوق همه اقشار جامعه را تبیین فرموده‌اند. به عنوان نمونه به بخشی از آن اشاره می‌کنیم. ایشان می‌فرمایند:

«و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عز و جل جعلها لک سکنا و انسا»: «و اما حقوق زن به عنوان زوجه آن

است که بدانی که خداوند متعال آن را برای تو مایه آرامش و انس قرار داده است.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۱) زوجه خدمتکار نیست و کرامت خود را دارد و باید بدان احترام بگذاری. در ادامه می‌فرماید:

«فتکرمها و ترفق بها و ان کان حقک علیها اوجب...»: «پس بایستی او را اکرام کنی و با رفق و مدارا با او رفتار نمایی، هرچند او نیز باید بداند که حق تو بر او بسی واجب‌تر و مهم‌تر است.» این بیانات نشانگر اهمیت خانواده در نظام حقوقی اسلام است.

### ۴- تامین نیازهای زناشویی

چهارمین عامل تحکیم خانواده که اهمیت ویژه‌ای دارد، تامین نیازهای جنسی است. نمی‌گوییم که اصلی‌ترین هدف ازدواج تامین نیازهای جنسی است، اما در کنار سایر اهداف است و اهمیت خاص خود را دارد. خانواده نهادی است که باید مسائل جنسی و نیازهای طبیعی زناشویی زن و مرد را تامین و برطرف نماید. باید این نیاز اولیه و طبیعی به صورت کامل برآورده گردد تا هیچ‌یک از طرفین هرگز مجاری و راه‌های دیگر را که طبیعی، شرعی، قانونی و عرفی نیز نیستند، در ذهن خود نیلورد. در آمارها می‌خوانیم که چهل الی پنجاه درصد طلاق‌ها به سبب مسائل جنسی‌اند. این بدین معنا است که غالبا با روش و شیوه درست ارتباط جنسی ناآشنا هستند و شیوه‌ای که به کار می‌گیرند نادرست و نارسا است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «بهترین شما کسی است که برای همسرش بهترین باشد و من برای خانواده‌ام بهترین هستم.» (مسند الامام علی (ع)، ج ۵، ص ۲۲)

### ۵- همکاری سبب تحکیم خانواده

پنجمین عامل مشترک تحکیم خانواده و نظام بخشیدن به آن، همکاری است. اصل همکاری و به تبع آن همدلی و همسویی از امور مهم و اساسی است که در اسلام به آن تاکید شده است. زن و مرد در خانواده و با هدف تحکیم آن بایستی در کنار سایر وظایف مشترکی که پیش‌تر گفته‌ایم، با هم همکاری و همدلی کنند.

اصل همکاری چنانکه بدیهی و آشکار است، بدین

معنا است که زن و شوهر با یکدیگر در زندگی مشترک خود همکاری داشته باشند. چنان نباشد که همه‌ی کارهای خانه بر دوش زن سنگینی کند و مرد هیچ کمک و یآوری نکند و یا به عکس، همه کارهای بیرون به عهده مرد باشد و در اموری که از توان و عهده زن برمی‌آید، زن کمک نکند. امام علی (ع) در زندگی مشترک خود با حضرت فاطمه (س) همکاری و معاونت داشتند و در خانه به یاری همسرشان می‌شتافتند. رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرموده‌اند: «یا علی لا یخدم العیال الا صدیق او شهید»: «ای علی، هرگز کسی به خانواده خود کمک نمی‌کند مگر آنکه صدیق یا شهید باشد.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۹)

### وظایف آقایان برای تحکیم خانواده

الف) مهم‌ترین وظیفه‌ی آقایان، تامین نیازهای دینی و اعتقادی خانواده است. نقش مهم یک مرد در خانواده‌اش آن است که نسبت به همسر و فرزندان خود از حیث دینی حساس و مسئول باشد و در این امر هرگز اهمال و تنبلی نکند.

ب) وظیفه دوم مرد آن است که در خانواده خود امور فرهنگی و علمی را جدی بگیرد و نیازهای مربوط به فراگیری دانش و فرهنگ را تامین نماید. در روایت آمده است: «اکرموا اولادکم و احسنوا ادبهم»: «فرزندان خود را گرامی بدارید و ادب و تربیت آن‌ها را به خوبی بر عهده بگیرید.» (مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲)

ج) وظیفه سوم مرد تامین نیازهای اقتصادی و مالی است. در این باره روایات مالمال از تاکید و ستایش است بر اشتغال و درآمدزایی. در روایت آمده است: «اول ما یوضع فی المیزان العبد نفقته علی اهله»: «نخستین چیزی که از بنده در میزان عمل او نهاده می‌شود، نفقه و خرجی او است که برای خانواده مصرف کرده است.» (نهج الفصاحه، ص ۹۸۳)

د) چهارمین وظیفه مرد، تامین نیازهای عاطفی و روانی است. کسی که فضای خانه را از شادی مالمال کند و نوای رضایتمندی از یک یک افراد خانواده او شنیده می‌شود در تامین امور روانی موفق بوده است.

ه) پنجمین وظیفه مرد، غیرت‌ورزی است. غیرت یعنی؛ حساسیت معقول. مرد باید غیور باشد و مثل مرزبانی هشیار و بیدار همواره در حفظ آبروی خویش بکوشد و لحظه‌ای غفلت نرورد.

### وظایف بانوان در تحکیم خانواده

الف) پذیرفتن مدیریت مرد: یک حقیقت معقول و طبیعی است که در قرآن بر آن تاکید شده است. «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض»: «مردان بر زنان تسلط دارند چرا که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است.» (نساء، ۳۴) مرد نگهبان و پاسدار زن است. خانواده اجتماعی کوچک است که اولین واحد اجتماعی، و در عین حال مهم‌ترین واحد دانسته شده است که آدمی از آنجا وارد واحدهای اجتماعی دیگر می‌شود و به محله، مدرسه، شهر و جامعه پا می‌گذارد. در اجتماع کوچک خانواده، مرد در حکم پادشاه است و زن ملکه. بالاخره باید معلوم شود که مدیریت در خانه با چه کسی است. منظور آن است که اداره خانه با مرد باشد و او است که در بحران‌ها و ضرورت‌ها حرف نهایی را بزند. قوامون به معنای خودکامگی نیست. بلکه به معنای عامل اساسی استواری و ثبات است.

ب) امانتداری در غیاب شوهر: خداوند متعال می‌فرماید: «فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله»: «پس زنان شایسته و درستکار فرمانبردار و مطیع شوهر هستند و در برابر حقوقی که خدا به نفع آنان بر عهده شوهرانشان نهاده است، در غیاب شوهر حقوق و اسرار و اموال او را حفظ می‌کنند.» (نساء، ۳۴) این وظیفه‌ی حفظ و امانتداری، از اموری است که اگر رعایت نشود مایه‌ی فروپاشی خانواده می‌شود. زن امانتدار خانه و محرم خانه است و باید تمام رازها و داشته‌های شوهر خویش را مثل امانتی گرانبها حفظ کند و هرگز رازها را افشا نکند.

نهاد خانواده در اسلام قداست دارد و احترام ویژه‌ای به آن نهاده شده است. زن و مرد بایستی در بروز ناملایمات و امور ناخواسته تغافل کنند. صبر، تغافل و گذشت می‌تواند از طلاق پیشگیری کند.



## معرفی کتاب جنس دوم

زینب تولی  
کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

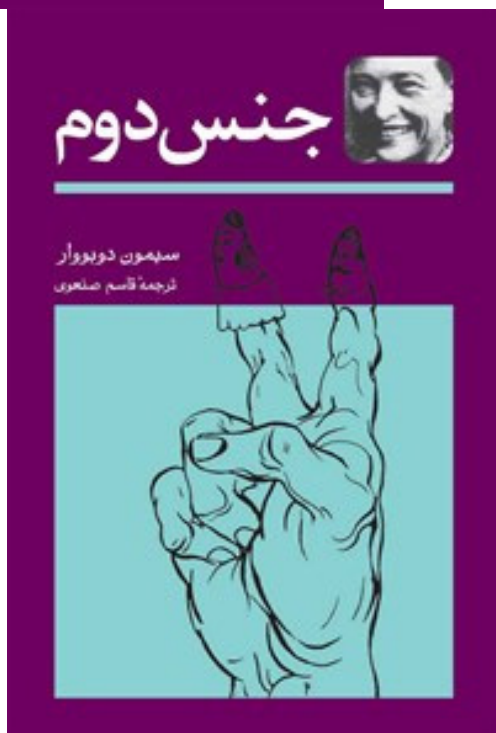
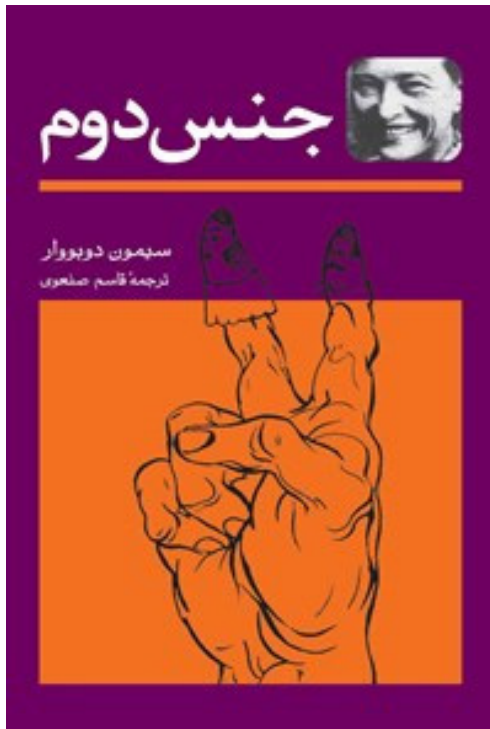
پایین تر قرار می‌دهد. لذا تا زمانی که زنان به مردان و سنت‌های فرهنگی اجازه دهند تا چپستی آنان را تعریف کنند، آزاد نخواهند بود.

«سیمون دو بووار» فیلسوف اگزیستانسیالیست فرانسوی آغازگر موج دوم فمینیستی به نام «فمینیسم رادیکال» بود. دو بووار نویسنده کتاب «جنس دوم» است.

شناخته‌شده‌ترین عبارتی که از دل اندیشه‌های سیمون دو بووار نمایان است این است که «هیچ زنی، زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود.» این بدین معنا است که افراد با هیچ عنوانی به دنیا نمی‌آید و فرد نتیجه انتخاب‌هایی است که جامعه و مناسبات اجتماعی موجود او را به طرفش هدایت کرده است. افراد با توجه به آموزش‌هایی که در اجتماع فرا می‌گیرند دست به انتخاب می‌زنند که به چه فردی تبدیل شوند. دو بووار مدعی است که کودک دختر و پسر از همان کودکی، در معرض نگرش‌های جنسیتی قرار دارند و همین نگرش موجب می‌شود که برای دختران عروسک و برای پسران ماشین تهیه کنند. یعنی از همان ابتدا تفکیک فعالیت‌ها را به حسب مردانه یا زنانه بودن به آنان آموزش می‌دهند. جمله سیمون دو بووار این است که: «هیچ زنی، زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود.» چرا که تفاوت‌های زن و مرد فقط تفاوت‌های بیولوژیک است، یعنی؛ در اندام ظاهری با هم مختلف‌اند.

دو بووار معتقد است که باید نهاد خانواده و ازدواج را از بین ببریم. همچنین با کار کردن زن و با بیرون رفتن او از خانه رهایی مالی و رهایی از بند خانه پیدا کند.

کتاب جنس دوم در دو جلد و هفت قسمت تقسیم شده است که در فصل‌های گوناگون از زوایای تاریخی، اجتماعی، فلسفی و روانی به پدیده زنانگی می‌پردازد. تز کلی کتاب نشان می‌دهد که چگونه زنان به وسیله تاریخ و افسانه‌هایی تعریف و محدود شده‌اند که آن‌ها را در جایگاهی



# گذری بر فمینیسم

زینب توطی  
کارشناس فقه و مباحث حقوق اسلامی

به خود تعریف می‌کنند. زن به عنوان موجودی مستقل در نظر گرفته نشده است.

آقای باندا نویسنده فرانسوی (۱۸۶۷ تا ۱۹۶۵ میلادی) در گزارش اوریبه تایید می‌کند: «پیکر مرد، جدا از پیکر زن، به خودی خود دارای معنایی است درحالی که اگر انسانی پیکر مرد را به یاد نیاورد پیکر زن فاقد این معنا است به عبارتی مرد بدون زن خود را به تصور درمی‌آورد ولی زن بدون مرد قادر به تصور کردن خود نیست. و زن جز آنکه مرد برایش تصمیم بگیرد نیست. به این ترتیب او را رابطه جنسی می‌نامند. برای مرد زن عبارت از رابطه جنسی است. پس زن نسبت به مرد تعیین و متفاوت می‌شود. زن در برابر اصل (مرد) غیر اصلی است.»

در دل مجموعی که دو عامل آن بر دیگری ضرورت دارد، زن دیگری است. در تمام دوران‌ها نرها بساط رضایت خاطر ناشی از این که خود را گل‌های سرسبد آفرینش احساس کنند، گستراندند. مردان یهودی در دعای صبحگاهی خود می‌گویند: «متبرک باد پروردگار، خداوندگار ما و خداوندگار تمام عالمیان، که مرا زن نیافرید.» از میان نیکویی‌هایی که افلاطون به سبب آن خدایان را سپاس می‌گزارده نخستین این بوده که خدایان او را مرد آفریده‌اند نه زن. در قرن ۱۷ «دیدرو» علاقه پیدا می‌کند نشان دهد که زن مانند مرد موجودی بشری است. «استوارت میل» با حرارت از زنان دفاع می‌کند. در قرن نوزدهم -ستیز فمینیستی بار دیگر به مبارزه طرفداران گسترش حقوق زن بدل می‌شود. یکی از نتایج انقلاب صنعتی عبارت از؛ شرکت زنان در کارهای تولیدی است. در آن هنگام ادعای فمینیستی از حیطة نظری خارج می‌شوند و پایگاه اقتصادی می‌باید. حریفان نیز حالت تهاجمی می‌یابند. بورژوازی به شدت بیشتری زن را برای خانواده مطالبه می‌کند.

برخلاف نظریه‌ای که قائل به تساوی حقوق زن و مرد است، در اسلام بیان می‌شود اقتضای رعایت عدالت برای حقوق زن و مرد این است که به جنسیت توجه شود و زنان با توجه به ویژگی‌های زنانه خود مسئولیت‌پذیر باشند. مسئله زن در دنیای امروز و از جمله در کشور ما یکی از مسائلی است که به جهات مختلف درخور توجه و پیگیری است. در مقابل تبلیغات معارض فمینیستی کار قوی با کیفیت بالایی صورت نگرفته است و از طرفی بسیاری از شبهات در جامعه بین المللی متوجه زنان است. یکی از اقدامات در خور توجه تبیین این گفتمان‌های رقیب است. آنچه که در این نوشتار سعی در بررسی اجمالی آن داریم، رویکرد فمینیسم با توجه به کتاب «سیمون دو بووار» و مقاله «بررسی مبنای حقوق زن از منظر نظام اسلام و غرب (نگرشی از فمینیست تا کرامت انسانی)» نوشته «محمد علی بادامی» و «محمد مهدی بادامی» می‌باشد.

عصر روشنگری نگرش غرب نسبت به انسان تغییر می‌کند و از دیدگاه‌های متفاوتی انسان را دارای حق قلمداد می‌کند. برای زمان‌های طولانی زنان پست کافر و موجود شرور در نظر گرفته می‌شدند که باعث بدبختی بودند. با وجود تبلیغات و احترام ظاهری برای زنان و شناخت رسمی حقوقشان در قرن حاضر هنوز ردپای این اندیشه در فرهنگ غرب وجود دارد. اگر خصوصیات زنان را به عنوان چیزی که گرفتار یک نقض طبیعی است در نظر بگیریم و به دنبال او سن توماس حکم می‌داد زن عبارت است از: «مرد ناقص، موجودی تصادفی است.» این همان چیزی است که افسانه پیدایش آنرا به صورت سمبلیک بیان می‌دارد و در آن حوا به عنوان چیز بیرون کشیده شده به قول «بوسوئه» خطیب فرانسوی (۱۶۲۷ تا ۱۷۰۴ میلادی) از یک استخوان اضافی آدم اشکار می‌شود. زن را نه فی نفسه بلکه نسبت

حتی مردان تلاش کردند که آزادی زنان را محدود کنند چرا که زنان را رقیب خود می‌دیدند؛ چرا که در ازای مبلغ کمتری کار می‌کردند. غرب مبنای فکری خود را بعد از انقلاب صنعتی و تحول فکری در آن دوره بر اساس فمینیسم پایه‌گذاری کرد.

در قرن بیستم متفکران غربی با تدوین اعلامیه حقوق بشر کرامت انسانی را به عنوان مبنای تعیین حق برای انسان اعم از زن و مرد در نظر گرفته و زن که به عنوان یک انسان در گذشته از بنیادی‌ترین حق خود محروم بوده به یکباره از حقوق یکسانی برخوردار می‌شود.

واژه‌های که برای نخستین بار در دهه ۸۰ در فرانسه به کار رفت. در آن زمان که موج اول و رسمی «فمینیسم» بود، این واژه بر گروهی دلالت می‌کرد که در پی آرمان‌های زنان در اوایل قرن ۱۹ بودند. این جنبش با شعار تساوی و برابری زن و مرد در همه زمینه‌ها پدیدار شد. این جنبش در واقع اعتراض به مردم سالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه بود چرا که در این اعلامیه هیچگونه حقی برای زنان در نظر گرفته نشده بود و به همین جهت گروهی از زنان در مخالفت با این نابرابری دست به اعتراض زدند و خواهان حقوق برابر با مردان شدند. وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۹ در گسترش و تعمیق جنبش‌های اجتماعی زنان اروپایی تاثیر بسزایی داشت. پیدایش صنایع بزرگ و متمرکز و رقابت‌های شدید، تولید کالاهای ارزان توجه ویژه‌ای پیدا می‌کند. طرح شعار مالکیت زنان می‌توانست به عنوان عاملی در جذب بیشتر آنان به بازار کار به حساب آید. بنابراین کارفرمایان از نخستین مدافعان حقوق مالکیت زنان بودند.

موج دوم «فمینیسم» در اواخر قرن بیستم

که فعالیت‌های فمینیستی با جنبش‌های زنان و مبارزه برای پایان دادن به هرگونه تبعیض علیه زنان بود. فمینیست‌های موج دوم نابرابری فرهنگی و سیاسی را مطرح کردند. به طور مثال؛ در مواردی چون حقوق باروری، حق سقط‌جنین، حفاظت از زنان در مقابل خشونت خانگی، آزار و اذیت‌های جنسی اشاره کرد. خاستگاه فمینیسم در اندیشه غرب به عنوان مبنای فکری در غرب؛ جریان فکری اومانیسیم، لیبرالیسم (فردگرایی) و سوسیالیسم نشأت گرفته است و این نکته را باید مد نظر داشت که جریانات فکری اشاره شده خود به عنوان یک مبنا تلقی نمی‌گردد بلکه این جریانات فکری خاستگاه و به عبارتی منشا شکل‌گیری مبنای حقوق زن همچون فمینیسم بوده است.

اومانیسیم (انسان‌گرایی) به مکتب فکری اطلاق می‌شود که پیروانش معتقدند موجود انسانی با سایر گونه‌های حیات متمایز است. روابط بین فردی و شناخت خود یکی از موضوعات مهم در انسان‌گرایی است. حیطه‌های مورد علاقه مطالعه خود انگیزش و روابط میان فردی است. دیدگاه انسان‌گرایی دیدگاهی است که بر طبق قرآن انسان اشرف مخلوقات شناخته شده و به دو شاخه غربی دینی و غیردینی تقسیم می‌شود.

رویکرد غیردینی بیان می‌کند؛ ماهیت منحصر به فرد انسان استعدادهای بی‌همتای شخصی است که باید رشد کند، تحول پیدا کند و رویکرد دینی بیان می‌کند؛ پذیرش ویژگی‌های منحصر به فرد انسان‌ها عامل مهمی برای تحول درونی در انسان است. لذا دیدگاه دینی و غیردینی به غیر از موضوع قبول یا انکار دین، وجوه مشترک بسیاری دارند.

گروه‌های معتقد دینی با فرضیه انکار خدا مخالف هستند و ریشه فکری خود را از افلاطون، آگوستین و مذاهب مختلف می‌گیرند. به اعتقاد آن‌ها، انسان مانند سایر گونه‌ها است و خداوند در مرکز هستی است. مهم‌ترین جریان فکری در مبانی حقوق زن در فرهنگ غرب (اومانیسم) یا اصالت انسان است که به معنای بازگشت انسان به جای خدا، بازگشت به زمین به جای آسمان و بازگشت به زندگی دنیا به جای آخرت است. به عبارتی این اصل از مهم‌ترین مبانی و پایه‌هایی است که کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» و به طور کلی حقوق زنان در غرب بر اساس آن پی‌ریزی شده است. در این تئوری انسان‌ها خالق ارزش‌ها هستند و معیار سنجش خوبی‌ها و بدی‌ها می‌باشند. اما در تفکر اسلامی همه موجودات منشا واحدی دارند و از یک حقیقت‌اند. همه چیز نشانه و آیه خداوند است. اگر انسان تصرفی هم می‌کند برای رشد و رسیدن به کمالات حقیقی است. رعایت عدالت و تناسب اقتضا دارد که زنان با رعایت ویژگی‌های زنانه مسئولیت‌پذیر باشند بر خلاف نظریه که تساوی زن و مرد در اشعار خودش قرار داده است ...

نسبت به حداقل مسئولیت اجتماعی زنان به این جریانات فکری مختلف، اختلافی نیست. اختلاف بر سر نوع و گستره مسئولیت است. برخی همسرداری، خانه‌داری و تربیت فرزند را تنها یا حداقل عمده‌ترین نقش زنان نمی‌دانند و برخی با کم‌رنگ کردن اهمیت این بخش، بر حضور زن در مشاغل و مناصب اجتماعی تاکید می‌کنند و بخشی علاوه بر این برای زن در مقیاس جهانی نقش قائل هستند.

زنان در تحقق ارزش‌ها، ارتقاء تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه نقش دارند و نباید فقط موجود مصرف‌کننده باشند و صرفاً از توان آن‌ها بهره‌برداری شود بلکه باید در ایجاد توان جدید برای جامعه نقش موثری داشته باشند. برای اسلام جنس زن یا مرد بودن مطرح نیست. تعالی و اخلاق بشر مطرح است. در تکامل‌گرایی زن خود را از حالت انزوا یا انفعال به حالتی فعال و تاثیرگذار تبدیل می‌کند و موجب شرایطی است که در آن است. آگاهانه تحقق می‌یابد. قسمت آگاهانه نقطه مقابل انزوایی و انفعالی است. عبارت است از ارتباط تعریف‌شده: «رابطه من با محیط پیرامونی.» تغییر و تکامل این ارتباط متناسب با؛ مراحل تکامل حرکت جامعه، فراهم آوردن محیط عقیفانه در درون خانواده و سعی در قطع ارتباط با محیط خارجه است. قسمت انفعالی، یعنی؛ سپردن زن به شرایطی که او را به فساد و فحشا فرا می‌خواند و در عین حال دعوت او به حفظ عفت، یعنی؛ پذیرش تحقیر و فرودستی زن و شکستن هویت و به واسطه شرایطی که نظام سرمایه‌داری جهانی فراهم کرده است. این استارت انفعالی در نتیجه شکستن هویت است. زن باید به تربیت نسلی متعهد و انقلابی کارآمد تکاملی طلب از طریق ایفای نقش مهم اهتمام بورزد. مادری مسند مسئولیتش در خانواده می‌تواند تکامل‌گرایی خودش را به افراد خانواده و یا با واسطه به جامعه منتقل کند. این تکامل‌گرایی و خانه‌داری منافاتی با تکامل‌گرایی اجتماعی ندارد. بلکه حلقه لازم و مکمل است. تکامل‌گرایی زن به معنای نقش آفرینی او در تعریف و تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی است.

# حقوق زنان سرپرست خانوار

آمنه چهره‌ها  
کارشناس ارشد فقه و مباحث حقوق اسلامی

و ارتقای او، بایستی حقوق مادی و معنوی مادران نیز حفظ شود و مسئولیت سنگین مادران به عنوان سرپرست و شرایط خاص خانواده، مانعی برای پیشرفت اعضای خانواده به صورت همه جانبه، محسوب نگردد.

اما علی رغم وضع قوانین و سیاست‌های حمایتی، مشکلات اقتصادی در جامعه، چالش‌های یافتن شغل و مسکن مناسب از مهم‌ترین معضلاتی هستند که زنان سرپرست خانوار را در تگنا قرار می‌دهند و زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. متأسفانه با همه‌گیری ویروس کرونا و افزایش شمار قربانیان ویروس، تعداد زنان سرپرست خانوار رو به فزونی رفت. و اعمال تحریم‌های بیشتر علیه کشور، تعطیلی و تعدیل مشاغل مختلف وضع معیشتی زنان سرپرست خانواده را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داد.

آنچه گفته شد نشان می‌دهد، با وجود قوانین و سیاست‌های موجود در جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار، تلاش دولت، قانونگذاران و نهادهای حمایتی در جهت افزایش توانمندی‌ها، مهارت‌ها، سطح سواد و آگاهی و کاهش فشار روانی، مشکلات معیشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کافی نبوده است. بنابراین با توجه به اهمیت نظام خانواده، لازم است نهادهای فرهنگی و متولیان حوزه رسانه در راستای حفظ مصالح خانواده و آگاهی‌سازی آحاد جامعه، خصوصاً صاحبان مشاغل به منظور اشتغال بانوان سرپرست خانوار اقدامات موثری را انجام دهند. همچنین تمام همت خود را به منظور کاهش فشارهای روانی (همچون؛ از بین بردن دید منفی نسبت به این گروه از زنان) و ایجاد فرهنگ اجتماعی صحیح، از طریق آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم به کار گیرند. تا مادامی که زمینه لازم برای اجرای قوانین یاد شده و متناسب با شرایط زمانی و مکانی فراهم شود و نوعی مطالبه‌گری عمومی نسبت به احقاق حقوق این گروه در جامعه به وجود آید.

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و با توجه به تأثیر آن در رشد و تعالی اعضای خانواده و سایر افرادی که در ارتباط با آنان هستند، باید از سمت قانونگذاران و دولت مورد توجه ویژه قرار گیرد. لازم است در هر خانواده، فردی به عنوان سرپرست تعیین شود تا با انجام مسئولیت‌های خویش به هر یک از اعضا کمک نماید، در مسیر صحیح گام بردارند. به طور معمول، شوهر (پدر خانواده)، وظیفه‌ی سرپرستی را بر عهده می‌گیرند. در آیه ۳۴ از سوره مبارکه‌ی نساء، خداوند متعال می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء...» ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز با توجه به فقه امامیه، ریاست را از ویژگی‌های شوهر معرفی می‌نماید. شوهر یا پدر تنها در صورتی می‌تواند نقش خود را به درستی ایفا کند، که حقوق و نیازهای هر یک از اعضا را به درستی بشناسد و از عنوان ریاست برای سلطه جویی و نادیده گرفتن مصالح خانواده استفاده نکند.

البته سرپرستی پدر به صورت مطلق نیست و با به وجود آمدن هر یک از موارد ذیل، زنان در صورت احراز شرایط لازم، بایستی این مسئولیت را بر عهده گیرند و هزینه‌های زندگی خود و فرزندان را تأمین نمایند: فوت کردن شوهر، طلاق گرفتن از او، بیماری؛ از کار افتادگی و معلولیت و زندانی شدن شوهر. (موارد مذکور، محصور نیستند).

به منظور حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی از زنان سرپرست خانوار، اصل بیست و یکم از «قانون اساسی»، «قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست»، «قانون افزایش پوشش توانبخشی و حمایتی معلولان و زنان سرپرست خانوار توسط سازمان بهزیستی کشور»، ماده ۲۳۰ از «قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه» و بند ۸۰ از «قانون فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به این موضوع اختصاص یافته‌اند. بدین ترتیب علاوه بر رعایت مصلحت کودک و برنامه‌ریزی منسجم برای رشد





دانشگاه الزهراء